

۶۸۴

# حکیم ابو حاتم مظفر اشرفی

بقلم :

آقای آبرت ناپلئون کمپانیونی

تهران ، دیماه ۱۳۳۶

حکیم ابو حاتم مظفر اسفزاری

بقلم :

آقای آلبرت ناپلئون کمبانیونی

تهران - دیماه ۱۳۳۶

## حکیم ابو حاتم مظفر اسفزاری

بسم الله الرحمن الرحيم

در این مقاله آنچه پیشینیان و معاصران در باره شرح حال و تألیفات حکیم ابو حاتم مظفر بن اسمعیل اسفزاری گفته‌اند و بدان دسترس بوده است و نیز برخی اعتراضات که بر کتاب «آثار علوی» شده است نقل میشود و شرح خدمت‌های نسخه‌اختصار «اصول اقلیدس» یا «عکس آن» بجا می‌آید و کلیه نسخ خطی «آثار علوی» که از آن اطلاع پیدا کرده‌ام معرفی میشود و آنگاه متن «رسالة الشکة» که تصحیح کرده‌ام از نظر خوانندگان میگذرد و سپس تائیدی از منتجب اسفزاری از کتاب الحیل می‌آید: (۱)

مرحوم علامه محمد بن عبد الوهاب قرظینی در حواشی چهار مقاله نگاشته است: «خواجه امام مظفر اسفزاری» یکی از اعظم متجمیع است» و اوست که با عمر خیام و جماعتی دیگر از اعیان متجمیع در سنه ۴۶۷ بفرمان سلطان ملکشاه

(۱) نشانه‌های اختصاری مقدمه و رساله الشکة.

ج = جلد

ح = حاشیه

دک = رجوع کنید

ص = صفحه

ظ = ظاهرأ

م = میلادی

ه = هجری

M = نسخه خطی کتابخانه ملی ملک

[ ] = نشانه کلمه یا کلمه‌ای که برای تکمیل معنی جمله بطن افزوده شده

< > = نقل قول و برپسته نامند کلمه و اصطلاحی

§ = علامت ختم یا حاشیه در حواشی

آ. ن. ک. = آلبرت نابلتون کمپانیونی - تکرار مقدمه و تصحیح رساله الشکة

سلجوقی رسد معروف ملکشاهی را که رسد جلالی نیز گویند بستند\* و این الاثیر در حوادث سنه ۴۶۷ از «ابوالعطار اسفزاری» تعبیر کرده است\* (۱) «این الاثیر در کتاب کامل التواریخ که در سنه ۶۶۸ تألیف شده در ذیل حوادث سنه ۴۶۷ (۲) گوید: «که در این سال قطب‌الملک و سلطان ملکشاه جماعتی از بزرگان منجمین را گرد آورد تا نوروز را در اول حمل مستقر ساختند و پیش ازین تاریخ نوروز در نیم‌فرج حدوث واقع بود و این عمل سلطان مبدأ تقویم شد. در همین سال صدی برای سلطان ملکشاه ترتیب یافت و جماعتی از بزرگان منجمین در عمل آن شرکت کردند و از آن جمله بودند عمر بن ابراهیم الغیامی و ابوالعطار الاسفزاری و میمون النجیب الواسطی و غیره. در ترتیب این رسد مال بسیار خرج شد و تا سال وفات

(۱) چهارمقاله تألیف محمد بن عبدین علی النظامی المروزی السمرقندی یسمی اهداء و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. لیدن ۱۳۲۷ هـ ص ۲۲۸ و رک: تملیقات چهارمقاله نظامی عروضی بیکوش آذای دکتر محمد مین - تهران ۱۳۳۳ - ه ۵ شمس ص ۳۶۴ و از این پس هر کجا اشاره با تملیقات چهارمقاله میشود مقصود این کتابست.

(۲) در چهارمقاله تصحیح مرحوم قزوینی چاپ لیدن «۴۶۷» در چهارمقاله تصحیح مرحوم قزوینی چاپ لیدن (نسخه متعلق آذای مجتبی مینوی) «۴۶۷» اصلاح شده و مرحوم قزوینی توضیح نوشته است: «این سنه ۴۶۷ تاریخ ورود منجمین بوده است برسد خانه جدید البتاه ملکشاه. ولی بعد از این تاریخ ملکشاهی حتی اولین سال این تاریخ مطابق بوده است یا هم در همان سنه ۴۶۷ مطابق ۱۵ مارس ۱۰۷۹ (ژولینی نه‌گریگوری) که در ذوالحجرت حلول شمس برج حمل بوده است» در چهارمقاله تصحیح مرحوم قزوینی چاپ لیدن (نسخه دانشگاه تربیت تهران) سنه ۴۶۷ اصلاح کرده و نوشته اند: «آذای علی زاده نظرمیرزا با این نبط جلب کرده. بعد از این لا یندر دیدم که به غلط است و صواب آنطور است که تصحیح شده است. آقام بنوی نیز در نسخه خود ۴۶۷ تصحیح کرده اند. نظر آذای علی زاده این است که در ۴۶۷ منجمین تعیین بر اصلاح تقویم کرده و از ۴۶۸ پس آری اجرا کردند و سال ۴۶۱ مبدأ تاریخ جلالی است (تملیقات چهارمقاله ص ۳۱۹

(۲ ح

ملکشاه یعنی ۴۸۵ دایر بود و بعد از وفات او مشهور ماند» (۱)

دانشمند محترم آقای سید حسن تقی زاده در «گاه شماری در ایران قدیم» نگاشته اند: «... بودن نوروز در اتمشال ریسی و شروع سال از اول بهشت یعنی ملکشاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵) واضح تاریخ جلالی یا ملکی و منجمین عقاید او که از آنجمله عمر خيام و حکیم ابوالری و میمون بن نجیب واسطی و ابوالعطار اسفزاری و غیرهم بودند میباشد...» (۲)

و نیز نوشته اند: «... قبل قطب‌الدین شیرازی در حقیقه شامه (احاطه بحمل برلن) و همچنین در کتاب دیگری هامة الادب که فی بابیه الاملاک (جزء سهارین) این منجمین هشت نفر بودند. (۳) در گاه شماری نیز نگاشته اند: «در شرح (۱) تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر ذبیح‌الطیفات تیران ۱۳۳۶ ج ۲ - ص ۳۱۰-۳۱۱ - متن عربی آن در کامل التواریخ (حوادث سال ۱۴۶۷ چنین است: «و فيها جميع نظام الملك والسلطان الملكشاه جماعة من اعيان النجيين و جلوا التبروز اول طلة من الحبل و كان التبروز قبل ذلك عند حلول الشمس نصف العوت و صار ما فعله السلطان مبدأ التقويم» و فيها أيضاً عمل الرصد للسلطان ملکشاه واجتمع جماعة من اعيان النجيين فی عمله منهم: عمر بن ابراهیم الغیامی و ابوالعطار الاسفزاری و میمون بن النجیب الواسطی و غیرهم، و خرج علیه من الاموال شيء عظیم و بقي الرصد دائراً الى ان مات السلطان سنة خمس و ثمانین و اربعمائة، فیقول بعد من «( رک: الجزء العشر من تاریخ الكامل للاملاء ابی الحسن علی بن ابی لکریم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد الشیبانی المعروف بابن الاثیر الجزیری اللقب بزرالدین - چاپ مصر - ۱۳۰۱ هـ ص ۴۰ - ۴۱. و رک: چهارمقاله چاپ لیدن ص ۲۱۴ و نیز درک: تملیقات چهارمقاله ص ۳۱۹ و ۳۲۰)»

(۲) گاه شماری در ایران قدیم تألیف آقای سید حسن تقی زاده - تهران ۱۳۱۹ هـ شمس. ص ۳ و رک: تملیقات چهارمقاله ص ۳۶۴

(۳) درس ۲۱۱ راجع صفحه ۳ حاشیه (۷) گاه شماری آمده است: «نسخه کتب نسخه شاهیه که مطب از آن نقل شده در کتابخانه دولتی برلن در جزو نسخی است که فهرست‌ها لواحد مترجم بوده و منها وارد کتابخانه شده و نسخه سیارچیس در فهرست که بتاريخ ۷۶۸ در بغداد از روی نسخه اصلی که بخط خود مؤلف در سیواس دو سنه ۶۸۴ نوشته شده بوده است استخراج شده است»

(۴) گاه شماری ص ۲۳۳

معاریف منجم و دانشمندان ایرانی است که در نیمه دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی نوشته شده است. ریاض الحکم عمر خیام معاصر و همزمان بوده است. شرح حال این حکیم بزرگ و چگونگی زندگی و تدبیرش مفصل در دست لیست و آنچه صاحبان ترجمه در این نوشته‌ها در طلب مهمی که وضع بردگی و حال ابتدا روشن نماید نیست نبینند. قدیمترین کتابی که در آن ترجمه‌های از مفسر دیده میشود کتاب تفسیر صوان الحکمة ابوالحسن یهقی است که تألیف آن اندکی پس از مرگ مفسر بوده است و ظاهراً آنچه شهرزوری در هزاره اول و دوم مسافر از افراسیاب از این احوال مفسر ذکر کرد از تفسیر گرفته است.

در ترجمه تفسیر صوان الحکمة چنین آمده: «الفیلوسوف ابو حاتم المظفر الاسفندیجانی حکیمی با دانش و رهنمائی و معاصر فیلسوف عمر خیام بود. مابین ایشان مناظرات بسیار و معارضات بی شمار بوده، لیکن بینکما بهشمار ایشان هر دو خاتم ابودیو علم اقبال و حیل بر روی غالب بود و در اقسام آن علوی و ریاضات (کذا) تصنیف بسیار دارد و عمل میزان اوشمیدس که کشش از عیان بدان تفسیر می کرد نام کرد، گویند مدت آن عمر خود را در صرف آن عمل کرد و چون خازن از آن خبر یافت از حضور خیام خویش اندیشید و آن میزان را ندانست گردانید چون آنگاه بحکیم ابوالمظفر (کذا) رسید از آلوده ببرد.

از کلمات اوست. نسبت لذت جسمی با لذت عقلی همه جو نیست تشبیه طاعت است با پیشیدن و خوردن آن.

آموزنده پدر جایبست و والد پدر حسامی صاحب است که پادشاه بر خویشین و بر رعیت جوانمرد باشد.

۱- ریاضیات (آ ن ک)

۲- عبارات تفسیر این است: و صرف عمره فی ذلك مدة  
پس ترجمه متفاوت است.

۳- دره الاشیاء و لیمه الاموار (تهران ۱۳۱۸). جلد ۱ سال پنجم محله میرزا...

۷۹ - ۸۰) ترجمه ناصرالدین بن عمده الملک منتجب الدین منشی بزرگ ایرانی  
هرمی تفسیر صوان الحکمة تألیف ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زین العابدین معروف

بها جانانه در معانی

کتاب سی فصل در معرفت تقویم تألیف خواجه نصرالدین طوسی که اسم تارخ معلوم نیست و ظاهراً در سنه ۸۹۲ تصنیف شده (نسخه خطی فارسی موزه بریتانی نشان Add 1700) نسبت به معانی که تاریخ جلالی را برای سلطنتش وضع کردند گویند... جمع حکماء چون عمر خیام و حکیم ابوالکری و شش کیس دیگر صاحبان بودند.

«ابوالمظفر سعزای همدانی که در چهار مقاله تفسیری عروسی سمرقندی نام خواجه ابراهیم مفسر سعزای نگاشته و در آن کتاب (صفحه ۶۳ طبع آقای (۱) فروغی و توقف گیس) از مصاحبت و مجلس عشرت نوی «خیام در سنه ۵۰۶ در یسناور سخن می‌گوید همگامی این دو نفر دانشمند در سنه ۴۶۷ در وضع تاریخ جلالی و غنیمتی آنها در ۳۹ سال بعد در یسناور هم از لغات غریبه است. (۲)

بزرگترین کتاب نوشته اند... طاهر اهمیت‌ترین و تا حدی رایج‌ترین تارخی که در ایران بعد از اسلام بعمل آمده همانا تاریخ جلالی (یا ملکی) بود که ملکتکده سلجوقی در سنه ۴۷۱ هجری قمری رفتی که اعتدال ربیعی در ۱۹ مردادین ماه قمری واقع بود لیس نموده و اول سال را در اول حمل (روز اول بهار) قرار داد و سپس جهت یوزدی که تا آنوقت در سال شمسی سیار بود ثابت گردانیده و شوروزد ساعتی معروف شد و برای ثابت نگاه داشتن آن در سال شمسی بنا بر معروف کبیسه دقیق برقرار کردند که از کبیسه کبیرگوری هم دقیق‌تر بوده است. (۳)

آقای مدرس رضوی: استاد دانشگاه تهران، مقدمه رساله آثار علوی با کلمات جو (۴) آورده‌اند: «خواجه ابوحاتم مفسر سعزای، از مشاهیر حکما و

(۱) مرسوق

(۲) گاه شوازی من ۲۱۰ - ۲۱۱

(۳) گاه شوازی من ۱۶۷ - ۱۶۸ - وک تعلیقات چهارمقاله من ۳۶۴ - ۳۶۵.

(۴) تعلیقات چهارمقاله من ۳۶۵ - وک رساله آثار علوی با کلمات جو تألیف

خواجه ابوحاتم مفسر سعزای (در حدود ۵۰۰ هجری) تصنیف آقای مدرس رضوی

تهران ۱۳۱۹ - مقدمه مصحح، من الف.

این سخن معروف به سال ۵۶۰ هجری (رک مقدمه تاریخ بیق مصحح مرحوم احمد بیضاوی تهران ۱۳۶۷ ص ۵ - وزیر وک مقاله آقای فروزان در باب خواجه) تعلیقات چهار مقاله ص ۲۰۹ بعد از آنکه دانست که بیرون سال اول شماره ۸ - ۹ ص ۲۰ - ۲۸ و نیز در همین تاریخ اطلاع از رسد کتابی حیاتی محسوب میسر می آید آقای جهنم الزمان فروزان از انتشارات دانشکده ادبیات تبریز - خرداد ماه ۱۳۲۷ ص ۲۱ - ۲۳

تئیه صوان العکمة اللف مایه سون ۵۵۳ - ۵۶۵ (رک : تعلیقات چهار مقاله ص ۳۰۸ ج ۱) چیزی است بر کتاب صوان العکمة در تاریخ حکما ابوسلمیان محمد بن مهران بن محمد السجستانی السطفی (رک تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف آقای دکتر ذبیح الله صمد - تهران ۱۳۳۱ ج ۱ - ص ۱۹۵ بیضاوی)

کتاب در الاحزاب و لمة الانوار و در زمان سلطنت ممول ایران برای غیاب الدین محمد پسر رشاد الدین فضل الله بن الفیهره دینی وزیر معروف ترجمه کرده اند و غیاب الدین محمد رشیدی از ۷۲۵ تا ۷۲۶ در امارت مرک در ۲۱ رمضان ۷۳۶ و زکات ابو سعید دارد: شاه مولا ایران داشته (سط - ی مقدمه دوة الاخبار - چاپ تهران - رک : مقاله آقای محمد بیضاوی در مجله مهر - سال سوم - شماره ۱۲ ص ۱۹۶)

رسم الخط در الاخبار ایشویه نگارش مرود تیسر داده ایم ترجمه مزبور اندکی اصل تئیه بیچ شده اختلاف دارد - این ترجمه نیز تصحیح آقای محمد شفیع خردور در ۱۳۵۰ قمری طبع دوم شده

دو تئیه صوان العکمة (چاپ آقای مولوی محمد شفیع، لاهور ۱۳۵۱ ه قمری ج ۱ (سنن عربی) ص ۱۱۹ - ۱۲۰) چیزی آمده است - الفیلسوف ابوحاتم المظفر الاسفهری - کن حکما مسارا الفیلسوف عبر النبیایی وینها مناظرات و لکن المظفر محمد بن اوتاب علی المظفر علوم الهیه و علم الامان و الحیل و کان حائبا و کافا بالستغیذین علی خلاف حیثه النبیایی - وللمظفر تصانیف کثیره فی الرياضیات و الانار الملویه و غیر ذلک و عوائق علی میزان [ارشاد] ص ۱۵۱ یعنی براف و اثبات و صیغه صبره فی ذلک صد نصف خاتون السلطان الاعظم و هو حسی قاله مساده الفاظین ظهور حیثیات فی الخفراء بسبب هذا البیان فکرمه وقت اجراءه ، ولما سمع العکیم المظفر مرض و مات اسفا ، ومن کلماته قوله : سئل الله الحسیة الی الله العظیمة کسمة المتسم الی المتطمع وقال العظم اب دوحانی و الموالد اب بشری و قال : علم الیهنسی سبب الیفاء فالیهنسی علمه هو الاصل و یلوه البانی و الموالد ابی الامیر قاهر الیهنسی البانی الی البانی لاجل و الاخیر یصرف فی البانی الطین - یعنی ان یتكون الملك حلیا علی نفسه و علی وجهه ۴

در ترجمه کتاب نزهة الارواح و وسفا الارواح فی ابواب الحکمة المتعدین والمتآخرین شمس الدین محمد بن محمد شهرزوری که تاریخ سنه ۵۸۶ - ۶۱۱ تألیف شده است<sup>۱</sup> چنین آمده : ابوحاتم عالم بعلوم ریاضی و ماهر در فنون فلسفه و آداب انسانی. ابوحاتم معاصر امام حسین بن ابی اسحاق است و معارض و مناظر با او عقلی در علم هست و جراتقال ماهر بوده و در حسن اخلاق و بیکی فطرت و ارحم حیوان بحال فقرا و محتاجین مشهور. ابوحاتم صاحب الایمان گفته است در ابواب علوم ریاضی و آثار علوی و حرکات کواکب. ترجمه هنرهای او یکی این بود که از نزدی ارشمیدس که معروف ب میزان قش و عیار است ساخته و تسلیب خاتون سلطان امود خیز شده که در عمل خود حیات و تقلب کرده بود از بازخواست سلطان ارمنیه آن میزان را بشکست و اجزاء آن را در زیر خاک پنهان ساخت - مصر چون بر عمل خواجه خیز نه دار مطلع شد رنجیده خاطر گشته که زحمت چندین ساله اش بهدر رفته از غصه مریض گشته و در اثر همان مرض دار فانی را وداع کرده و بمقام بیسته از سخنان ابوحاتم است که گفته : نسبت لذات حسی ب لذات عقلی همچون نسبت مشمومات است بمطعمات<sup>۲</sup>

آقای مدرس رسوی نیز در مقدمه رساله آثار علوی نوشته اند : چندین نفر دیگر از معاصرین و بی زودمؤلفات خود از او نام بردند الله که در بیانی بر بلندی مقام

- ۱ - برای شهرزوری رجوع کنید به جامع غلبه کتب الفنون چاپ طبرک - لندن ۱۸۵۲ ج ۶ ص ۳۲۱ - چاپ دوم ترکیه ۱۳۶۲ ه قمری ج ۲ ستون ۱۹۳۹ و دیباجه زخاخواه بر کتاب الانار الباقیه عن القرون الخالیة تألیف ابی الیمان محمد بن احمد البیرونی الفوارزمی لایسک ۱۸۷۶ - ۱۸۷۸ ص ۵۰ - ۵۱ و اظهار این همان شهرزوری است که شارح حکمة الاشراف شیخ شهاب الدین سهروردی کتب و نسخه های ازین شرح در تبریز میوزیم موجود است علامت Arund Or 217 - و رک حکمت اشراق و فرهنگ ایران بقلم آقای دکتر محمد مین در مجله آموزش و پرورش سال ۱۳۱۹ - تهران ص ۴۲ - ۴۴ ( از تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۱ ج ۸)
- ۲ - بر فسور ساخته او در مقدمه الانار الباقیه لای و رسائل البیرونی ص ۵۱ (تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۱ ج ۹)

۳ - کتاب کوز العکمة ترجمه مرحوم صیاد الدین دری از سنن عربی تاریخ العکماء شمس الدین شهرزوری - تهران ۱۳۱۶ ج ۱ ص ۷۷ - ۷۸

علوم ریاضی و ادبی از اعیان و درجه علمی در آن روزگار است.

اعمالی هروسی سمرقندی در چهار مقاله حکایت کند که در سنه ۵۰۶ هجری

عمر خدیو و قاضی معتز اسفزاری را در منزلت بوسعه جریلیخ دیدار کرده<sup>۱</sup>

اسدبن عریق علی نظامی هروسی سمرقندی در «چهار مقاله» (تألیف در

حدود ۵۵۰ هجری قمری) چنین گفته است: «۵۰ سنه ست و خدایه عالمه بشهر بلخ در

کوی برده فروشان در خزانه امیر ابوسعید خدری و خواجه امام عمر خیامی و خواجه

امام معتز اسفزاری تزیین کرده بودند<sup>۲</sup> و من بدان خدمت پیوسته بودم<sup>۳</sup>.

آقای مدین رضوی نیز در مقدمه «رساله آثار علوی» نوشته اند: «شیخ

جلیل عبد الرحمن خازنی که او نیز از حکما و ریاضیین آن عصر و در کار بستن

دندانها و عیام و اعیان معتز همکاری کرده در کتاب میران الحکمة<sup>۴</sup> و همچنین شهرمان

بنام امیر در کتاب ریاضی آمده است<sup>۵</sup>.

شهرمان بن لیر نخعی را در ذرات نامه علانی گفته است: «... کتابی یافتیم

که حاوی حکیم ابوحامد مصنف بن اسمعيل اسفزاری رحمه الله بوده بود اندر آثار

علوی بغایت بیگویی و اختصار و لفظ حسین<sup>۶</sup> همچنان سبحت کردم و تالیف خوشتر

۱ - تعلیقات چهار مقاله ص ۳۶۵ - رک: «رساله آثار علوی باکانات جو» مقدمه

مصحح ص الف

۲ - همان مقاله تألیف احمد بن هر بن علی نظامی هروسی سمرقندی طبق نسخه

مصحح علامه ابوحامد معتز و بنی بیگوشش آقای دکتر معتمدین - تهران ۱۳۳۴ ص ۱۲۷

۳ - عبد الرحمن خازنی در میران الحکمة (تالیف در ۵۱۵ هجری) برای سلطان سنجر

سلجوقی (چاپ جدید در ۱۳۵۹ هجری قمری) در ذکر ابوحسن همدانی چنین

گفته: «و من معاشره الامام ابوحامد المعتز بن اسمعيل اسفزاری تالیف مفاصل متنظر

نظر...» (رک: تعلیقات چهار مقاله ص ۳۰۰ - ۳۰۱ و ص ۳۶۵ ج ۱)

۴ - تعلیقات چهار مقاله ص ۳۶۵ - رک: «رساله آثار علوی باکانات جو» مقدمه

مصحح ص الف

بشان آردا که گردانیدم و زیادت و خصی برت الاطیبه که نشسته یلده وزیرانی

تعلیقت بر حواشی او...<sup>۱</sup> آقای مدین رضوی نیز در مقدمه «رساله آثار علوی»

گفته اند:

نام و کتبه<sup>۲</sup> «نام و کتبه و چنانکه ذکر شد ابوحامد معتز است و در هر جا که

نام او با کتبه با هم آورده شده بهمین صورت (ابوحامد معتز) درند می شود. ولی بنام

ابن ابی در کمال التواریخ در ذیل حوادث سال ۴۶۷ هجری «متبع او ابوالفضل» همین چنین

دیگر که ذکر از تاریخ جلالی<sup>۳</sup> و بسن رسد نامه ملک شاه کرده و با حاکما و

منجمین و ریاضیینی که در آن کار شرکت داشته برده اند<sup>۴</sup> ابوالفضل معتز نوشته اند

که تصور میشود کتبه اوست. و با گفتههای معاصرین او مانند نظری هروسی در

۱ - مقالات دهم زهرت نامه علانی که پس از مقاله نسخ خطی (کتابخانه ملی) بودیان

گونا، ملی ملک بشماره ۸۶۵ و مجلس شورای ملی بوسیله راتم ابن سطور و آقای محمد

خوانساری تصحیح شده و برای چاپ آماده میباشد. رک: «رساله آثار علوی باکانات جو

مقدمه مصحح ص ه

۲ - تعلیقات چهار مقاله ص ۳۶۶ یبند رک: «رساله آثار علوی باکانات جو» مقدمه

مصحح ص ب یبند.

۳ - عنوان را آقای دکتر معتمدین افزوده اند (آن ن ه)

۴ - رک ۲ ص ۳ - مقدمه حاضر

۵ - در کتاب المختصر فی اخبار البشر تألیف عماد الدین اسحاق ابن الفداء (منوی

۷۷۲ هجری) (چاپ مطبوعه الحسینیة مصر ۱۳۲۵ هجری قمری ج ۲ ص ۱۹۲) در حوادث سنه ۴۶۷ هجری

«ابوالفضل الاسفزاری» آمده است

۶ - ابن اریغ که بتاریخ جلالی نامده شده منسوب بسلطان جلال الدین ملک شاه

سلجوقی (سنه ۴۶۵ - ۴۸۵) است و سبب وضع این تاریخ آن بوده است که در آن زمان

تاریخ فارس مستعمل بود و بجهت عدم کتبه اوائل سالها مختلف شد و پس حکما و فضلا

روزگار که در مجلس سلطان راه داشته از جمله عبر العالی و معتز اسفزاری و همچنین

التجیب الواسطی (ابو امامان التوکرکی و عبد الرحمن الخازنی) (مصححین اسدبن رضوی

بینه عالیة در صحنه حد

بیهی - دک (التعمیر ابودرجان محمد بن اسمعیل یوتی یا صبح و مقدمه و شرح و سواشی  
 آقای جلال‌دهانی تهران ۱۳۱۶ م ۲۴۰ (ت. ن. ک) بر آن اتفاق نمود که تاریخی  
 رضع کنند که او ازل سال همیشه نزدیک موسم باشد و سرور زمان متغیر شود و باین سبب  
 اسمیادشام روزگاری بماند، پس این تاریخ وضع کرد و مبداءش از بعضی یکشنبه بجم  
 شعبان سنه ۴۱۸ هجریست و نزدیک دیگر جده دم رمضان سنه ۴۷۱ هجریست چنانچه  
 تفاوت ۱۰۹۷ روز باشد و سبب اختلاف معلوم نیست (آقای مدرس رضوی) بیشتر نظر  
 آقای حمزاده را در این باب آورده‌ام - دک : تعلیقات چهار مقاله ص ۳۱۶ ح ۲ و ص  
 ۳۱۶ - ۳۱۵ ، و دک : ص ۲۸ مقدمه حاضر و نیز دک : دائرة المعارف اسلام  
 (Encyclopedie De L' Islam) ذیل کلمه عمر خیام بقلم آقای و مینورسکی  
 (Article De M' V. Minoraky) و کلمه جلالی قلم ه سوبر (H' Suter)  
 برای ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخیامی النیشابوری دک : تعلیقات چهار مقاله  
 ص ۲۹۲ بند

ابوالعباس فضل بن محمد لوری

آقای دکتر ذبیح قاسم در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۲۹۲ پید) آورده‌اند :  
 «... نخستین حکیم و فلاسفه ابن عهد [از میانه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم] کسانی  
 بودند که در حوزه تعلیم شاگردان امنیست تربیت شدند. از بزرگترین این فیلسوفان  
 یکی ابوالعباس عدل بن محمد لوری مروزی است، از لوکر در کنار رود مرو (در بازه  
 لوکر درجوع شود بمسجد البلدان یا قوت در ذیل همین نام)، که از مشاهیر حکمای عهد  
 خود و سبب چندی بن از دانشمندان و فلسفه داناتان قرن ششم بوده است. وی شاگرد  
 بهمنیار و بهمنیار شاگرد ابوطی بن سبیا بوده. بیهی گوید (تسه صوان العککه چاپ  
 لاهور ص ۱۲۰ - ۱۲۱) «توسل ابوالعباس علوم حکمت در خراسان انتشار یافت و او  
 باجزای علوم حکمت عالم بوده است و همه وی در پیری آموختند و او در ناحیه مرو از  
 خاندان جلیل و از ارباب بیوات بود»

در تصانیف بهمنیار استعمال نبدیان الحق دشمنان اعدای و تصدیق با شرح آن فارسی و رسائل  
 دیگر و تعلیقات و تصنیفات و در این شهر... در امام‌الکنته (مقتضای از تعلیقات کنته صوان  
 العککه چاپ لاهور ص ۲۰۹) آمده است که از بزرگترین اقران او کوری در میدان حکمت  
 تبه حایفه در سمنه بند

الخیامی (خیام) و این کوشش و الواحق بردماند لیکن هیبت بگرد و ترسیمات است از  
 مهترین آثار او کوری بیان الحق اوست و او خود در آغاز آن آورده است که از سخنان  
 فارابی و بوطی و حکیمان دیگر استفاده کرده و در بیان مابین الخواص و سبب  
 و در همان حال اذکر که لوازم امور سبب از نده است... نشانه منحصراً از این کتاب در  
 جزو کتب اهدائی آقای سید محمدمشکوته بکتابخانه دانشگاه تهران موجود است (تسه صوان العککه چاپ لاهور ص  
 ۱۲۱ ح ۴) (ت. ن. ک)

«اوشاگردان مروی لوری یکی قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طلیس مروزی  
 بود (متوفی ۵۳۹ ه) ... دیگر مجد الافاضل قاضی عید المراق ترکمن... دیگر شرف  
 الزمان (یا شرف‌الدین) محمد بن یوسف‌الایلاتی (متوفی ۵۳۶ ه) ... دیگر فرید‌الدین  
 عمر بن خیالان بلخی ... دیگر عین‌الزمان حسن قطان مروزی (۴۶۵ - ۵۴۸ ه) ... و دیگر  
 امام‌الاجل ابوالفتح اسمعین محمد بن ابونصر المیهنی (متوفی بعد از سال ۵۲۰ یا در حال  
 ۵۲۷ ه) ... ترجمه حال لوکر در نوره الاوراح و روضة الافراح الیف شهر زوری  
 (نسخه برن شماره 430 Mhdg) موجود است (تسه صوان العککه چاپ لاهور ص ۱۲۰ ح  
 ۸) (ت. ن. ک)

ابوالفتح عبدالرحمن المنصور الخازنی

در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۳۱۰) چین آمده است «ابوالفتح عبدالرحمن المنصور  
 الخازنی - غلابرومی ملوک ابوجعفر الخازن، ریاضی‌دان و دانشمند مشهور قرن ششم  
 است که در هیئت و تجویب سرآمد اهل زمان بود. مهترین کتاب او «دیج‌النسجری» یا  
 «المتبرالنسجری» است که از آن نسخه دودست است و کتابی دیگر دارد نام «میزان  
 العککه» در باوه میل و او از آن تسه صوان العککه چاپ لاهور ص ۶۱-۶۲ آندومیلی ص ۱۰۴  
 (Aldo Mieli, La science arabe, leiden 1939) آدی سید حاکم‌الدین  
 طبرانی در گاهنامه ۱۳۱۱ (ص ۱۸۴ - ۱۸۵) نکات دارد: «عبدالرحمن خازنی معروف  
 برآمد از علمای ریاضی و مد در قرن پنجم و ششم است که در سال ۴۶۷ در مدیح اصلاح



تاریخ و وضع جدول جلالی حضور داشته در ۵۱۳ ریح شاهی را تألیف نموده و در ۵۲۵ کتابی مائة ریح در اواسط کواکب آورده است و از تاریخ وفاتش مطلع نیست (وی ۱۳۱۱ تاریخ دوازدهم ریح الاول سال ۵۲۵ هجری قمری ذکر کرده که در کتاب الالات الحیة الرصدیة حیات دانشمندان (سوانحی و توصیفات فرایضه طبیعیات بقلم آقای دکتر غلامحسین مدنی تهرانی ۱۳۷۵ شمسی ص ۱۷۵) (ت. ن. ک.)

از تالیفات خازنی در سوانح فی الالات الحیة است. این کتاب مشتمل بر هفت مقاله در شرح برخی از آلات رصدیه قدامات است.

عبدالرحمن ابراهیم شهری نامشهر پادشاه سلجوقی تألیف کرده که در تفسیر طبی

آن در کتابخانه وین میگویند موجود است و آن کتاب متادور و سندهندجه اولی ساخته است (رک:

C A Nallino - Al - Battini Opus Astronomicum et Perex I =

دائرة المعارف اسلام مقاله ویدمان) (ت. ن. ک.) ( PLXVII Et I ' Index )

در فهرست کتابخانه محمدیه (استابول ۱۳۰۰ ص ۴۶) «الوجیز فی التزیج السلطان

از ابوالفتح عبدالرحمن العالی» آمده است (تتبه سوانح الحکمة چاپ لاهور ص ۱۶۱

(ت. ن. ک.)

عبدالرحمن خازنی در حدود ۵۱۳ بریسنجین وزن مخصوص اجسام فاقونوی وضع

کرد که تصب مران لوشیدس بوده و میزان الحکمة ساعت (میزان الحکمة اسپایی

مرکب از آفتاب و ارادونی است مانند تراوی ارضیدس و سا آن وزن مخصوص

اجسام را میسنجیدند.

و نیز عبدالرحمن تراونوی اختراع کرد که از طرف مکانک بشمار میرفت و

میزانش بطور اختصار حواشه میشد و تا سه رقم اعشاری صحیح است و نیز از ساخت خازنی

در ۱۵ ساعت آبی همین زمان الساعه در کتابخانه امام خازنی مفاصر عمر شیام و ارمالار

و انوری بوده است.

برای تألیف وک: فرایضه طبیعیات متنوس به شیخ وینس ابوعلی سینا مقدمه

و سوانحی و صحیح آقای دکتر غلامحسین مدنی ۱۷۵ - ۱۷۶ - و نیز وک: کتاب

ریاضیون و متجین عرب الیث سوتر - لایپتسیک ۱۸۰۰ ص ۱۲۲ و ۲۲۶

II - Suter ' Die Mathematiker und Astronomen Der Araber und

بیه حایه در سوانح بعد

چهار مقاله و شهرتانی بن ابی العزیز خزرجی نایب و خازنی در کتاب میزان الحکمة<sup>۲</sup> داوود الحسن یهقی در کتاب شمس مران الحکمة<sup>۱</sup> و از پس آنها شهرتوری

۱ در چهارم مقاله نظامی مرضوی بیکوش آقای دکتر محمد مبین (تهران ۱۳۳۴ ص ۱۲۷) «خواجہ امام مظفر اسفزاری» آمده است

بیه حایه ارسطه قر

(ت. ن. ک.) ( three Werke ' Leipzig , 1900 s . 122 ' 226 )

میمون بن النجیب الواسطی

در درة الاخبار و لمة الانوار (چاپ تهران ۱۳۱۸ ص ۶۲ - ۶۳) درباره «الحکیم

میمون بن النجیب الواسطی چنین آمده است: «طبیعی بود فاضل و حکیمی کامل منطق

و طبیعی و الهی کتاب شفا تمام یادداشت و قطعاً باهل دنیا از خداوندان جاه و مال و اعانت

نکردی چنانکه شرف الهین ظهیر الملک علی بن الحسن البیهقی عامل مرات معالی آورده

صحبت او داشتی بمل [بن دراه] نیافتی، و از آن قبیل عزت نفس عظیم داشت، چنان

شنیده ام که وقتی ظهیر الملک را مرضی صعب عارض شد چنانکه سلامت میمون اضطر از

یافت چاره آن در [د] که جمعی از اثرات که در خانه او نزول داد با ضرورت میمون برفق حاله

باعمال محتاج گشت، چون بدر خانه ظهیر الملک آمد [بفرمود تا او را با داشته ناله

را معالجت کرد، و از حکم جان پرور اوست هر گاه که ترا از عطانی حاجتی روا کرده

تهدار تا بر آن اقدام برخطا معاودت نشانی و از صور صواب معتضت نگردی چه سلامت

سد از غطا اگر باشد برسیبل نهدت تواند بود. هر چند است که اگر بلائی یاد نزول

کند در طلب حیلت دفع آن ماهر نگردد و محزم است.

و گفته اند او واسطی الاصل بود و غوزی السوله، و اقامت بهرات داشت. (در رسم الطب

دانشیوه نگارش امروز تغییر داده ام)

در کتب زهد و اخلاق و ترویج آنها بنام او کتب ( ابو حاتم مقلی ) جای کرده است  
نقشه این اثر ویران نیست

قدو \* در تالیف حقوقی صاحب اختلافی است در میزان الحکمه و لزوم  
نامه هر دو کتاب در او اسمعیل آورده شده است

نصبت \* و نیز چنانکه معاصرین آورده نوشته اند بی ازاهالی اسفزاری که  
شهر کی از خراسان پیشین در حالیه جزیره افغانستان است بده و اینک در بعض  
کتاب مانند تواریخ ابوالقلاء و کتب الحکمه ترجمه تاریخ الحکماء شهرزدوی \* و  
تذکره التواتر ( در بیک موضع ) از اسفزاری \* و در رساله دیگری او را

۱ - در نسخه مصی « رساله لشکریه » ای المظفر الاسفزاری آمده است و این مسلماً  
اشته است ( در کتب ص ۳۱ و ص ۴۷ و ص ۴۸ مقدمه حاضر )

۳۰۹ - عنوان آقای دکتر محمد مصمیم افزوده است ( آن - ن - ک )

۴ - اسفزار [ الف ] و [ ق ] ( اسم خاص ) شهری از نواحی سیستان از جهت هرات .  
[ معجم البلدان ] ... از نواح شهر هرات است بیست پاره قره آباد دارد  
و مسکن حیات انسانی اقوام افزوده است ( امجد آرای ناصری ) .

اسفزاری - منسوب اسفزار - شهری در هرات و سیستان ( انساب سمعی )  
( التمام معروف معجم : اسفزار و اسفزاری ) ( آن - ن - ک )

۵ - در کتب الحکمه ( ص ۷۷ ) « ابو حاتم مقلی اسفزاری » آمده است ( آن - ن - ک )

۶ - اسفزارین [ الف ] یا اسفزاری [ ق ] ( اسم خاص ) شهری خراسان ( دمشق ) ..  
اسفزاری [ بی ] یا اسفزاری [ الف ] منسوب با اسفزار و اسفزاری - شهر کی در نواحی  
نیسا و در تبتیه راه جرجان ( انساب سمعی ) .

( الف ) نام معروف معجم : اسفزارین و اسفزارین و اسفزاری و اسفزاری ( بی )  
( آن - ن - ک )

شیرازی نوشته اند ، مسلماً اشتباه اسفزاری در یکی صورت کتب اسفزاری است و این شمار  
است ، و از همین روست که دیده میشود گاهی نقل ترجمه بخلاف اصالت و بلفظ  
در نسخه ازبک کتاب در یکی اسفزاری ، در دیگر اسفزاری ضبط شده است ولیکن  
چون در کتب معاصرین او عموماً اسفزاری است مسلماً صورتی دیگر آن نام  
است . \*

تاریخ ولادت \* تاریخ ولادت معلوم نیست لیکن زمان تقریبی آن را  
می توان بحسب تعیین کرد چنانکه این اثر در کتاب تاریخ کامل در ذیل حوادث  
سال ۴۶۷ ذکر کرده و همچنین جمع دیگر از مؤرخین آورده اند در این سال  
ملکشاه و خواجه نظام الملک وزیر برای اصلاح تاریخ و بسن رسد عده از حکما و  
منجمین و ریاضیین را که امام عمر حیا و ابو حاتم مقلی در آن جمع بودند باستان

- ۱ - رک : رساله در شناخت کائنات جو و طبقات هو او خاک .
- ( نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی تهران ورق ۲۱ مجموعه ) نیز رک ص ۳۰
- و ح مقدمه حاضر . ( آن - ن - ک ) .
- ۴ - بارون دوسلان در فهرست نسخ خطی عربی کتابخانه ملی پاریس ( پاریس ۱۸۸۳  
۱۸۹۵ - ص ۴۳۴ )

Catalogue des Manuscrits arabes de la Bibliothèque  
Nationale de Paris . 1883 - 1895 P . 434 )

چنین نگاشته است : « المقالة الرابعة عشر من اختصار الامام المظفر الاسفزاری  
لاصول اقلیدس » چنانکه ملاحظه میشود بجای « الاسفزاری » ، « الاسفزاری » نوشته است  
رک : ریاضیون و منجمین عرب تالیف سوتر ص ۱۱۴ ( شماره ۲۸ ) و ص ۲۲۰ بعد  
در نسخه خطی زهد نامه علائی کتابخانه ملی ملک شماره ۸۵۹ کتاب بجای اسفزاری  
« سبزواری » نوشته است ( آن - ن - ک )

۳ - عنوان آقای دکتر محمد مصمیم افزوده اند ( آن - ن - ک )

موت کرده و آن بر حسب فرمان بلاخر تاریخ متعول شده\* و ابوحنبل را در آن وقت عسقلان شهرت بسیاری بود و در زمره بزرگان و رجال علم محسوب میشد پس اگر گفته شود در آن موقع سرزمین فرزند و دانش باید در حدود ۳۳۷ یا پیش از آن تاریخ باشد.

احوال وی

ابوحنبل از بزرگان علوم و حکیمان بزرگ و دانشمندی علمی و معاشی بود و همچنین آیینی که از آنها علوم فلسفه و فقه و ریاضی را آموخته و معارفات خود را از آنها برگرفته هیچ آگاهی و اندیشه دست نیافت. چنانکه گفته شد در کامل این اثر و دیگر تواریخ است که حواجه نظام الملک وزیر و مملوکه حماضی از ایشان متعین مثل عین بن ابراهیم خواجه و مصعب سغزی و میمون بن اجماعی و سطلی و در اشک را جمع کرده تا نوزده فرس یعنی نور رسیدن آفتاب را طول نقطه مرجع حساب افروزدی قرار داده و دانستند ۱۸ سال مدعی حمله بظهور رسانیدند چون در سنه ۲۱۵ مملوکه نهاد آن رسد معطل ماند و جماعت علما متفرق گشت از این زمین و حیثیول گفت که ابوحنبل نیز از آن ۴۶۷ سال ۴۸۵ که سال مرگ مملوکه است در استغیاب می زیسته و بعدا بحر آن و هرات افتاده است و از آنجا بیخ برفته و نظار مرویس او را با ناصر خیام در آنجا دیده است و شاید پیش از آن برای تقدیم میراث از زمین سخته خود بیرون دار الملک سنجری نیز رفته باشد.

وفات ابوحنبل - در کتاب شاهد صادق و همچنین در کتاب فهرست التواریخ و تاجعل خان هرات مرگ ابوحنبل سال ۵۲۵ نوشته شده ولیکن طاهر این تاریخ وفات درست نیست چه شهریان بن ابی الخیر که همزمان با وفات و کتاب زهت نامه علامی را در اوایل قرن ششم قلم طاهراش کرده ابو کلجبار کرشاشف بن علی بن

۱- زک: ۶ - ۳ - ۳ - مقدمه ماظر

فرامرزی بن علاءالدوله محمد بن دشمنزاد\* بالغه کرده و رساله آثار علوی حکیم اسفزاری را در آن کتاب بشمار آورده در آنجا ابوحنبل شخص در گذشته یاد کرده چنین گوید:

... کتابی یافتم که حواجه حکیم ابو حامد مظفر بن اسمعیل اسفزاری رحمه الله کرده بود اندر آثار علوی بغایت نیکویی و اختصار و اقلعین... و این عبارت ظاهر در این است که هنگام تالیف کتاب زهت نامه ابوحنبل زنده نبوده است و سال تالیف زهت نامه اگر چه بدرستی معین نیست لیکن از آنجا که آن کتاب با بنام ابو کلجبار کرشاشف کرده و در تاریخ ۵۱۳ از محل حکمرانی خود گرفته و سلطان سنجر پناه برده است تا تالیف کتاب پیش از ۵۱۳ باشد. دیگر آنکه عبدالرحمن خزانی که هم از معاصرین ابو حامد است و کتاب

۱ - شهریان بن ابی الخیر رازی در زهت نامه علامی چنین گوید: چون مدتی روزگار بپرداختن تالیف این کتاب برآمد، وار زیادت و نقصان کردن فارغ شده بودم آنرا عدتی و ذخیرتی همی ساختم تا بدین خوبشتر را در مجلس عالی حدوندی امیر اجل مؤید مظفر منصور ملک عادل عضدالدین ظهیر الاسلام علاء الدوله و جهان الله و نصر الایمة شمس الملوک سید الامراء مرزبان کالیالیم خاصک او کالیجبار کرشاشف حاتم امیرالوزمین اعزاز الله نصره این الامیر الوؤید ملک طبرستان علی بن شمس الملوک فرامرزی بن الملک المادل علاءالدوله محمد بن دشمنزیار رضی الله عنهم قدس ارواحهم عرضه کنم و عذر تقصیر و تأخیر بخدمت نایبوستن نموده باشم از بهر زشت و پرک داشتن این کتاب را زهت نامه علامی نام نهادم... ( مقدمه زهت نامه علامی که پس از مغایله نسخ خطی) کتابخانهای بودلیان، گوتا، ملی ملک، مجلس شورای ملی) بوسیله آقای محمد خوانساری و راقم این سطو و تصحیح شده است و برای چاپ آماده می باشد

۲ - زهت نامه علامی تالیف شهریان بن ابی الخیر، مقدمه آن پیام علاء الدوله باکلجبار کرشاشف بن امیرعلی بن فرامرزی بن محمد بن دشمنزیار از امرای تاکویه مؤرخ است ( پنجمین پادشاه ساسانی تاکویه اصفهان و همدان است دوره حکمرانی او از ۴۸۸ تا حوالی ۵۱۳ بوده است و کتب تعلیقات چهارمقاله من ۴۴۴

پته جانبی در صفحه بد

میزان الحکمة خود را در سال ۵۹۰ تألیف کرده در آن تألیف گوید که ابو حاتم پیش از آنکه کتاب میزان الحکمة را تمام و بیاض برد بیچار رحمت حق رفت - پس وفات او در ایام بین سالهای ۵۰۶ هـ که نقلش عروسی او را بیلغ در منزل ابوسعده جزء با حکیم عمر خیام دیدم است<sup>۱</sup> و احتمالاً سال ۵۱۳ و قلماً ۵۱۰ که سال تألیف میزان الحکمة خزانگی است باشد.

#### تصحیح ازصفیق

وزیر: تاریخ مختصر ایران، بول، هرن، ترجمه آقای دکتر رضا زاده شفق تهران ۱۳۱۴  
 ص ۱۶۰ - و نیز: وقت غم مرحوم دهخدا، ابوالنجار کرشاشف دوم - (ت. ن. ک)  
 ناصر خسرو در سفر نامه خود در سال ۴۴۳ که بصره در آمده نامی از مؤلف این  
 کتاب برده و گوید حاکم عسره پسر کالنجار حاکم شیراز است و وزیر او ابومنصور  
 شهسوران نام فارسی است (یا همین شخص مراد است) (آقای دکتر محمد مین)  
 سفرنامه حکیم نصر خسرو - چاپ برلین ۱۳۴۱ هـ قریب ص ۱۲۸ (ت. ن. ک) و دیگر  
 از این شخص در حاشی نامی دیده شد و چنانکه شهسردن خود در باب سماعه از همین  
 رساله (تاریخ علوی یا کائنات جو) حاشیه مزوده ملاحظه میشود که وقتی بطبرستان و هکدامی  
 بکشان بوده است و سماعه بی [ ] که در کاشان سال ۴۷۷ (۴۷۵) رک نسخ خطی نهضت نامه  
 علایی منقول، کتابخانه بیروین و اجین آسیایی شکل (ت. ن. ک) روی داده خود  
 چشم دیده است - تألیف نهضت نامه ظاهر آیین سالهای ۵۰۶ و ۵۱۳ بوده چه چنانکه  
 ذکر شد تألیف آن محققاً بعد از مرگ حکیم ابوحاتم مظهر افشاری بوده و چون او را  
 در سال ۵۰۶ بیلغ نظامی عروسی دیده است پس باید تألیف آن پس از مرگ حکیم  
 افشاری که محققاً از تاریخ بالا هم بوده است باشد و آن از دو که کتاب بنام علاء الدوله  
 کرشاشف پسر امیر عالی سامی بیز (او همان کسی است که امین حسین بن علی کاتب  
 مؤلف تاریخ بیز او را کرشاشف [علاء] الله له امیر زاده علی خوانده و بطوریکه در مرآت

ایه نامه در صفحه ۵۰

#### چه حاشیه از صفحه اول

البدان ناصری است مسجدی هم از آثار او در بزم بوده) (در مرآت الایمان ناصری  
 تألیف معبد حسن خان صنیع الدوله مرافه ای فرزند حاجی علیجان امینت السلطنه) چاپ  
 تهران ۱۲۹۶ هـ ج ۴ ص ۱۲۴ چنین آمده است: «جامع بزم - گویند ابتدا سلطان  
 علاء الدوله کرشاشف بن علی بن فرامرز بن سلطان علاء الدوله کالنجار مسجد عالی ساخته  
 که معروف بسجده عتیق شد...» - در تاریخ جدید برد تألیف در اوایل قرن نهم هجری  
 (چاپ بزم ۱۳۱۷ ص ۱۲۴)، احمد بیث حسین بن علی الکاتب گوید: «... بدانکه مسجد  
 قدیم را مسجد عتیق خوانند و پائی او علاء الدوله کرشاشف علی فرامرز بن علاء الدوله  
 کالنجار بود...» چنانکه ملاحظه میشود جای علاء الدوله کرشاشف بن علی بن فرامرز  
 «علاء الدوله کرشاشف علی فرامرز» نوشته است و این برسم زبان فارسی است که اسم او  
 بنام پسر یا جد اضافه کنند بدون اتعنا لفظ «ابن» رک تلیقات چهارماده ص ۱۱۹  
 و چنانکه در مجل التواریخ و القصص آمده

«در روز سه شنبه ۲۱ ربیع الاول (۵۱۳) ... امیر علاء الدوله کرشاشف بن علی  
 بن فرامرز را بفرمان سلطان (محمود بن معد بن ملکشاه) امر خبیه بگرفته و بقلمه  
 فرزین بردند و پناه و پناه و پناه اندر، علاء الدوله دزد ادراکشت، و آن فرزند سوی خراسان  
 رفت بدو گاه سلطان اعظم (یعنی سلطان سنجر) (رک مجل التواریخ و القصص تألیف  
 سال ۵۲۰ هجری بتصحیح مرحوم ملک الشراء بهار - تهران ۱۳۱۸ شمسی ص ۴۱  
 (ت. ن. ک) و با احتمال قوی ازین تاریخ بیدمانی خاندان را در زرد ادعراق فرماند وائی  
 نبوده و علاء الدوله فرامرز بن علی که ظاهر برادر همین کرشاشف است و ابو الحسن  
 بیهقی او را در زمره حکما و فلاسفه آورده (مترجمه سوان الحکمة (چاپ لاهور ص ۱۰۱)  
 چنین آمده «الملك العالم المادل عضدالدوله والدن علاء الدوله فرامرز بن علی بن فرامرز  
 ملک یزد - کان ملکاً عالماً عادلاً» و پنه براسان ستمه ست عشره و خمسائه «کتاب عروج  
 علی والدی تصنفه الفی سیاه مهیجه التوحد» - در ده الاشار و لایحه الاوار و لایحه  
 تهرات ص ۷۰ و ۱۶) مترجم تغییر داده و چنین نگاشته است: «الملك العالم العادل»

در حاشیه در صفحه ۵۰

عده انبیا و ائمه علیهم السلام را فرموده فرموده علی بن فرامرز ملک یزد . . . چنانکه ملاحظه میشود یکی فرامرزی بن علی بن فرامرز ، فرامرز علی بن فرامرز نوشته است . در تاریخ بیبوقی ( تألیف ابوالحسن علی بن زید دیلمی در ۵۶۳ هجری با تصحیح و تعلیقات مرحوم احمد بهمنیار - تهران ۱۳۱۷ ص ۲۴۴ ) ذکر این امر چنین آمده است : « ملک عالمجاهل عبدالملک والبربر علامه المولاه فرامرزی بن علی شاه یزد . . . ( رک ) تشنه صولان العکبة چاپ لاهور ص ۱۱ - ۶ ) . نیز بول مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی این ملک پس علی بن ابی منصور فرامرز بوده است ( رک : یادداشتی قزوینی بکوشش آقای ایرج افشار - تهران ۱۳۳۶ ج ۳ ص ۲۰۴ ) ( و نیز رک : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی آقای دکتر ذبیح الشافعی - ج ۱ ص ۱۷۸ )

هیچ التوحید - حاج غلیبه در کشف القنون ( چاپ دوم رجبیه - ۱۳۶۰ ه قریب ج ۱ ص ۲۵۸ ) چنین نگاشته است : «هیچ التوحید - لمضالدین - ملک یزد کما ذکره الشیرازی فی تاریخ الحکماء و انه کان متضلعا باخلاق الحکماء» - نیز در کشف القنون ( چاپ دوم رجبیه ج ۲ ص ۱۹۱ ) چنین آمده است : «هیچ التوحید - لمضالتوحید کما سبق للملام المولاه الفک بالری کان معاصر للعباس» - پس شاید بقول حاج غلیبه «هیچ التوحید» تصحیف «هیچ التوحید» است ( رک : حواشی و زیادات نامه صولان الحکماء چاپ لاهور ص ۲۰۱ ) ( آن ک ) و یزد در خراسان در خدمت سنجر سیزده و در جنگی که سنجر را بشکران فریاد فریاد ( حبک فطون ) در سال ۵۳۶ کشته شد است .

نابراین تاریخ تالیف نزهت نامه باید مؤخر از ۵۱۳ ه که سال گرفتاری و فرار گرشاسب بخراسان است ، باشد ( رساله آثار علمی با کلاسیک جو - مقدمه آقای مدوس رضوی ص ۱۰۸ )

نزهت نامه ثلاثی دائرة المعارف است که در قرون مختلف تالیف شده و از مصنفات کربنهای زبان فارسی است - این کتاب در نوع خود ندارد ، مشتمل است بر مقدمه و دوازده مقاله است و دو قسم و انجام

عیر از نزهت نامه علایی آثار شهردان بن ابی الخیر راوی شامل مؤلفات ذیل است :

۱ - کتاب البدایع - نسخه ای از این کتاب موجود است ( رک : سوره سخن فارسی نگاشته آقای دکتر مهدی سانی - تهران - ۱۳۱۷ ه بعضی نخستین از ج ۱ ص ۱۶۹ ) .

در مقدمه نزهت نامه علایی چنین آمده است : « شهردان بیابانی الخیر گوید چون مدتی در کرکان و استراباد بر عطلت سامع از صناعت خویش و آن تیرگی و استیفاست ، و روزگار ناهموار ناموافق پیش آمد ، و گفتار حق بیدامبر صلوات الله علیه «من اعان ظلالاً سلطه الله علیه» در من کار کرد و اگر چه اولیاء نعم اهل الله علیه در آنکه عالی اهل الله خداوندیها فرمودند و شفقت نمودند و بیش خدمت خوانند ( از آینه آساست مواضع مستولی بود ، و توفیق مساعدت نمود

از بهر آسایش و ترجیح الاایام چند کتاب تصنیف کردم - از آنصحت یکی کتاب البدایع است در غواص و منافع و طبایع و چند علم دیگر ، که از کتب بسیار برگزیده بودم و جمع کرده پس از بهر آنکه بتأویف بود خواستم آن نماید آن متداول و منتشر گردد ، و بیان خواص و عوام عام باشد ، کتابی ساختم پیاری دری و بر آن زیادت و نقصان کردم چنانکه بایست ، و ترتیب بگردانیدم و از چند نوع دیگر که در آن کتاب است در اینجا زهر بلطفی در آوردم و بر دو اده مقالات نهادم اندو دو قسم . . »

۲ - روضة المتجملین - آقای سید جلال الدین طهرانی در کاشانه سال ۱۳۱۱ ( ص ۱۶۶ ) نوشته اند : « این کتاب فارسی مشتمل بر ۱۵ مقاله میباشد و در روز ۲۷ رجب ۴۶۶ هجری ( در موردی که ناهنجار شمس را میآورد ) تاریخ شروع تنظیم کتاب است . در روضة المتجملین چنین آمده است : « کتاب بیان رسید و سیری کردم و امیدوارم که بتدریک دانایان پندیده باشد و جوایب این علم را سنده بود و راست و خواصش منظم را از بسیاری کتب مستفی دانود ، چه اذهر نوعی قدر کلمات اشوات کرد و ام و زهر کرده نموده ، پس اگر جایگاهی علی اضافه بود ، و اجی سخن در آن سخن نگفته باشم میشود باید داشتن چه این به علم و صناعت من است ، و اما دلیری بین جمع کردن از حکیم علی بن

عضد الدین و الدین علاء الدوله فرامرذ علی بن فرامرذ ملک یزد . « چنانکه ملاحظه میشود بجای «فرامرذ بن علی بن فرامرذ» ، «فرامرذ علی بن فرامرذ» نوشته است . در تاریخ بیهق ( تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی در ۵۶۳ هجری با تصحیح و تعلیقات مرحوم احمد بهمنیار - تهران ۱۳۱۷ م ۲۲۴ ) ذکر این امیر چنین آمده است : « ملک عالم عادل ضد اهل بیت و اهل بیت علیه السلام فرامرذ بن علی شاه یزد . ( رک : تشامصون العکبة چاپ لاهور ص ۱۰ ج ۶ ) - نیز بقول مرحوم علامه میرزا محمدخان قزوینی این ملک پس علی بن ابی منصور فرامرذ بوده است ( رک : یادداشتهای قزوینی بکوش آقای ایرج افشار - تهران ۱۳۳۶ ج ۳ ص ۲۰۴ ) ( و نیز رک : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی آذربایجان در ذیحجه ص ۶۸ ج ۱ ص ۲۷۸ )

مهیجه التوحید - حاج خلیفه در کشف الظنون ( چاپ دوم ترسکبه - ۱۳۶۰ ه قمری ج ۱ ستون ۲۵۸ ) چنین نگاشته است : «مهیجه التوحید - لمعدالدين . ملک یزد کذا ذکره الشهرزوری فی تاریخ العکباء و انه کان متخلفا باخلاق العکباء» - نیز در کشف الظنون ( چاپ دوم ترکیه ج ۲ ستون ۱۹۱۲ ) چنین آمده است : «مهیجه التوحید - لاه البهیجة تاسیخ للاء العولة الملك الباری کان مصاصر اللخیام» - پس شاید بقول حاج خلیفه «مهیجه التوحید» تصحیف «مهیجه التوحید» است . ( رک : خواش و زیادات تنه صول العکبه چاپ لاهور ص ۲۰۱ ) ( آن ک ) ( ) و یزدخراسان در خدمت سنجر «بزرگ و در جنگی که سنجر را باترکان قراغاط روی داد (چنگ قطوان) در سال ۵۳۶ ه کشته شده است .

سایرین تاریخ تالیف زهت نامه نماید مؤخر از ۵۱۳ ه که سال گرفتاری و فرار گرشاسب بخراسان است ، باشد ( رساله آثار علوی یا کائنات جو - مقدمه آقای مدرس رضوی ص ۱۳۵ )

زهت نامه علایی دایرة المعارفست که در فنون مختلف تألیف شده و از مصنفات گرانمایه های بان فارسی است - این کتاب دو نوع خود متفرد و مشتمل است بر مقدمه و درآوده مقالات اندر دو قسم و انجام

عبر از زهت نامه علامی آثار شهردان بن ابی العیبر راوی شامل مؤلفات ذیل است :

۱ - کتاب البدایع - نسخه ای از این کتاب موجود نیست ( رک : نوبت - هن فارسی نگاشته آقای دکتر مهدی سابی - تهران - ۱۳۱۷ ه بخش نخستین از ج ۱ ص ۱۶۹ ) .

در مقدمه زهت نامه علایی چنین آمده است : « شهردان بن ابی العیبر گوید چون مدتی در گرگان و استراباد بر هملت باهم از صناعت خویش و آن دبیری و استیفاست ، و روزگار ناهموار ناموافق پیش آمد ، و گفتار حق بیضا میر صلوات الله علیه «من امان ظالم سلطه اشعه» در من کار کرد و اگر چه اولیاء انعم الله صرهم از نگاه عالی املاء الله خداوند بها فرمودند و شفتیان بودند و پیش خدمت خواندند ، از آنجای اسباب موانع مستولی بود ، توفیق مساعدت نشود

از بهر آسایش و ترحمة الایام چند کتاب تصنیف کردم . از آنجمله یکی کتاب البدایع است در خواص و منافع و طبایع و چند علم دیگر ، که از کتب بسیار برگزیده بودم و جمع کرده پس از بهر آنک بنازی بود خواستم تا فایده آن متداول و منتشر گردد ، و میان خواص و عوام عام باشد ، کتابی ساخته بیارسی دوی و بر آن زیادت و نقصان کردم چنانک ایست و ترتیب بگردانیدم و از چند نوع دیگر که در آن کتاب نیست در اینجا زهر پاشطلمی در آوردم و بردوا زده مقاتلت نهادم اندر دو قسم .

۲ - روضة الفنجین - آقای سید جلال الدین طهرانی در کاهنامه سال ۱۳۱۱ (ص ۱۲۶) نوشته اند : « این کتابی فارسی مشتمل بر ۱۵ مقاله میباشد و در روز ۲۷ ربیع ۴۶۶ هجری (دمرودی که ما در ج شش را میآورد) تاویخ شروع تنظیم کتاب است . در روضة المنجین چنین آمده است : « کتاب بابان رسید و سیری کردم و امیدوارم که بنزدیک دانایان پندیده باشد و جوای این علما را بسته بود و دانستن و خواندنش منظم را از سبیلوی کتب مستغنی دارد ، و چه زهر نوعی قدر کفایت اشارت کرده ام و از هر کوله نموده ، پس اگر جایگاهی خللی افتاده بود ، و ایچی سفین در آن منی نگفته باشم معلوم باید داشتن چه این تعلم و صناعت من است ، و اما دلیری برین جمع کردن از حکیم علی بن

ابرهیم گرمانی پدایم چه زهر گوته مجازت رحمت وحتو بیت نام کرد و اهتر از نمود و بیشتر عرض او آن بود تا نحوین سنی مؤالید قل کم بیاری از آتیج احمد بن عبدالجلیل سعزی (احمد بن محمد بن عبدالجلیل سعزی از مشاهیر ریاضیین و معارف مصنفین قرن چهارم هجری است. ذک: تعلیقات چهارمجاهه ۲۵۹م - ۲۶۱) کرده است بجدول. چون مدت عظمت دوازده پیشکشند. زوهمی بیوستم تا آتیج از بهر مؤالید کبری (از افتادات شفاهی آقای جلال الدین همای) و نحوین سنی مؤالید بکار آید علی وحکمی پیرداختم و از بعد آن چون بر استلام محض او الحسن علی بن احمد نسوی عرض کردم، اشارت کرد بزبج تقویم وحکم سال عالم و کفت ضروری باید تا منجم ازین یک کتاب جلدله فرضهای خویش حاصل کند و چون این نیز بنویسستم چندنوع دیگر بود که رجوع کردن با کتابی دیگر حاجت همی افتاد آن نیز گفته آمد و از دوازی کتاب تاحدی اندیشه کردم و بدمت یکسال این جمع توانستم گرفتن و از میان کتب بسیار برگزیدم چه فزون از صدباره تصنیف بر خواندم تا آتیج بصواب نزدیکتر بود و پس آسان تر برگزفتم و اندر اعال آن قدر که توانستم راه آسانی نمود. بون الله و حسن توفیق و صلی الله علی سیدنا [مجموعه الطاهرین اجمعیین ...] (آخر کتاب روضة النبییین که پس از مقاله نسخ خطی [کتابخانههای ملی ملک بشماره ۳۶۰۵ و بشماره ۳۳۱۴ و دانشگاه استانبول بشماره ۱۴۹۸] تصحیح شده است) - در نوع هشتم از مقالات هشتم نوبت نامه عالی چنین آمده است: «کتابی ساخته ام در نجوم و آن روضة المنجم نام نهادم و یازده مقاله است...»

مجموع بیاد درسیک شناسی (تهران ۱۳۲۱ج ۱۵۸۲ - ۱۵۹) نگاشته است: «... از مقاله و رسیدگی نیز تألیفات بزرگ و کوچک علمی که در مصر غیر نویان و سلجوقیان بیاری شده است... بخوبی دیده میشود که دنبال سبک قدم و راهها نکرده اند، علت اصلی آن بوده است که مؤلفان سعی داشته اند کتاب یا رساله خود را بیاری و دری خالص بر نگذارند، و این کار موجب آن میشده است که لغات فارسی قدیمی زیاد استعمال کنند... و کلمات و ترکیب را بصورت اصلی و قدیمی که از قدیم در میان علمای پارسی نوپس روم بوده است بیآورند... بنابراین تاریخی یعنی تا قرن ششم و اوایل قرن هفتم نیز کتابهای در علوم بدست میآید که بشیوه قدیم تألیف و تحریر شده است... و مؤلفان این مطلب شرحی است

پیه حاشیه در صفحه بعد

که شهرمدان در همین باره در مقدمه روضة النبییین نوشته است:

ازین مقدمه پیداست که در قرن پنجم نهضت نازهای نیز در طرز تحریر کتب علمی پیدا شده بود و نویسنده که در فصل زیر بنوشتها «دری بزرگ مطلق که از نازی خود ادرت است» اشاره مینماید مبتنی بر همین سلیقه ناز است و یعنی همی که خود شهرمدان در این رساله با آنکه نتوانسته است خویش را از زرق پریدن سرک و درین بیرون کشد، پارت نامندی کاری کرده است، یعنی نمکی از قرن پنجم که نمونه آن را در بیبھی و سفرنامه ناصر خسرو دیدیم و در عبارت شهرمدان نیز دیده میشود...»

در مقدمه روضة النبییین چنین آمده است: «گفتار اندر سبب جمع کردن این کتاب واجبست بر خردمندان که در قدرتهای ایزدی نگاه کنند و آثار بیهای گوناگون بپشم خرد به بینند و بدانند که نهاد جهان و گردش آسمان واحوال که از تأثیرات ستارگان پیداهمی آید چگونگه است که از دانستن و تمییز بقصد توان رسیدن و چون مدتی مرایش آمد از عظمت و بر بیبوده عمر گذاشتن وجهی دیگر ندانستم جز این کتاب را آغاز کردن اندر عام نجوم هر چند که نه صنعت من است تا مبتدی را از آن فایده تمام بود و باه پایه بر نسق همی رود که چون باغر کتاب رسد نام منجمی بروی افتد و از بعد این هر کتابی که خواهد بیرون هیات و مجسطی بدان توان رسیدن و غرض و مراد خویشی از آنجا حاصل کرد اینمین و بیشترین سببی اندر جمع این کتاب آن بود که بیشتر تصنیفها که همی بینم آنست که حشوا نکت افزون است، و این از چند سبب همی افتد:

اولا - آتیج مؤلف دعوی آن کند که من چنان مشروح بگویم که از اصل با ستاد حاجت نیاید، و این معال اندیشه بود، چه بر همه حال تا ناموزد ضمیمه آن نتواند کردن.  
دوم - آنک چون فصلی همی گوید علم خویش اندر آن میان عرضه کند و پایه خویش بشاید بغزونی تالاجرم خواننده و متعلم ازین بازماند و بدان نرسد.  
سوم - آتیج هر نوعی از چند تصنیف با زدمت همی آید و بسیار همی افتد که متلسی فصلی داند و لکن بوقت حاجت نداند که آن هست یا نه، اما شبیهت حاصل آید و اما شکر از حاجت افتد. چهارم - آنک هر فصلی را چیزی برویند از نامهای مخالف و رایبهای متفاوت و عملهای مشکل نادل نفور شود و طبع خشکی باود، و اگر راه آسانی نیابند خود آن هیچ بکار نیاید. و از همه طرفه تر آنست که چون کتابی بیارسی کنند، گویند از بهر آن بدین

پیه حاشیه در صفحه بعد

هارون نهاریم تا آنکس که تازی نداده برپهره ماند . پس سه پاری همی گویند دی و بوزة  
مغان که از تازی دشمنان ترست و اگر بسنههای متداول گویند داستان آسان تر بود و از  
همه گرای محروم کرده . و عیسی تمام که اندر تألیف سخن آراید ، پس اگر مقصود سخن  
تازی است ، و او بود ای میمان نه ازین علم چه بکارست . چه بقیقت آن وقت که نکت بر  
اختصار و علمهای آسان مقرر گردانند چندان حاصل آید که بهترین علمی و از علمهای شریف  
بیرون علم ادیان نیست و نجوم لکن اگر طبیسی سهوی کند ، انوشیروان یکی شود ، و اگر  
این سهو بر منجم افتد هیچ زبان نیست و اندک این علم با منجمت است و از اندکی آن کشتن  
و نگاه گردانیدن است . پس طریقی در راه نمودن علم و عمل بروجی مختصر برگزینیم و لفظی  
مستعمل بکار آوریم چنانچه نامهایی همی آید که مستعمل شمس و طبع هر کس فرایند برفته  
چون وسط و مرگ و خاضه و شندیل و اوج و ارتفاع و هجینین چون تشریح و تفریب و استقامت  
در جهت و ماستان و چون ازین لفظها اگرانه همی چستیم گرای حاصل همی آمد و نیز بشرح  
حاجتی همی بود باهر عبارتی از تازی که اندرین کتاب موجودست عامی معنی آن بیینج روز  
بتواند داشتن و نیز آنکس که این قدر نداند اگر ازین علم شریف بی بهره ماند رواست  
و بیشتر علمایا مثال دوزخ یا در گدازد درستی عمل حاجت بود و راه نموی کند با مؤختن  
و از بهر آن بلفظ پارسی گرده چه اندرین نوع بیژدی بسیارست و منجم را بلشت تازی دانستن ،  
پس شغلی نیست و دانستم که اگر یاری نبودی بیشتر مردمان تنائفادی که یاری با یسی  
تعاقدی بیشتر حاصل آمدی و اگر کسی قل کردی این کتاب باطل شدی و چه صواب آن دیدم  
که هم برین گونه تمام گردانم و الله العین .

(مقدمه روضة النجین که پس از مقابله نسخ خطی (کتابخانههای آقای سید  
جلال الدین طهرانی) درک محیطه لوفتان سال سیزدهم شماره ۴ ص ۲۵۷) ، ملی  
ملائک شماره ۳۶۰۵ و شماره ۳۳۶۴ ، و دانشگاه استانبول شماره ۱۴۱۸ ( تصحیح  
شده است ) .

ابوالحسن علی بن احمد موسی - استاد شهردان بن ای الغیر وازی ، ملی بن احمد توی  
پوده است ( ۶۰ ک . ن )

ابوالحسن علی بن احمد التوی که از هلهای قرن پنجم است و میرا حکیم شهرمدان

چه حاجت در صفحه بعد

رازی استاد مختص نامیده ، در ریاضی دستی قوی داشته و از کتب مهمه وی یکی تحریر  
کتاب مأخوذات ارشیدس است که تا بدین قره آنرا ترجمه سوده و در تعلیمات ریاضی قدیم  
جزه کتب متوسطات بشمار میرسد که میان کتاب اصول هندسه اقلیدس و مبسطی حلیسیوس  
باید خوانده شود . ( از ترجمه مأخوذات ارشیدس بنسیر ابوالحسن ملی احمد التوی  
نسخی موجود است (رک : فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) ج ۲ ص ۱۱۵ )  
و تزک - کتابخانه خدیویه مصر ج ۵ ص ۲۰۲ و جز آن ) این ترجمه را خواجه  
نصیرالدین طوسی تحریر کرده و آن در مقدمه ترجمه ریاضی (ج ۲ ص ۱۳۵۹) درجیدر آباد  
چاپ شده است ( تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف آقای دکتر ذبیح اشفا - ج ۱ ص ۷۵  
۷۸ و ۳۴۹ )

در درة الاخبار و لمة الانوار ( چاپ تهران - ص ۶۹ ) چنین آمده است : « دانستاد  
الحکیم المختص ابوعلی العین ( کذا ) ( درست است ، نامش ملی [ بن احمد ] است و کتیش  
ابوالحسن ( رک : تئمه صوان الحکمة چاپ لاهور ص ۱۰۹ ) التوی  
از حکمای ری بوده است ، ذبیح فاخر از آن اوست ، و با وجود تومر در اقسام علوم همگی از  
هندسه خطی و افراشت و تفسی با کثی بیکارم اخلاق متعلی بود .  
و از سفنات اوست آدمی بهت بلند و عزمست دوست مقصود تواند یافت ، نه بکه  
و مشتق در کوشش »

( رسم الخط را بشیوة نگارش امر و تئیر داده ایم )

در مقاتل بازدهم ( در صورت گواکب ) روضة النجین چنین آمده است : « خواجه  
ابوالصین عبدالرحمن بن عمر موسی [ ا ] لر از [ ی ] ( ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر الموسوی  
الرازی ( ۲۹۱ - ۳۷۶ ) مسلم عهد الموله ( مختصر الدول ص ۳۰۴ ) و مؤلف کتاب مورد  
الکواکب است که راجع بجهل و هشت صورت از صورت مذک البروج یافته و بسند  
الموله تقدیم گردیده است

این کتاب باسم « الدور السامیة » و « کواکب الثابتة » نیز مشهور و ترجمه موسی  
آن موجود است . دیگر رساله ی راجع باصطراب . ( تاریخ ادبیات دبیران تألیف آقای  
دکتر ذبیح اشفا ج ۱ ص ۲۳۸ )

چه حاجت در صفحه بعد



کتابی کرده است بحالت نیکویی، در صورت ستارگان شناختن و طول و عرض و جهت و جایگاه و تدریس و مقام دانستن و اسناد معنی علی بن احمد نسوی ادام‌الله نمته (بازرجه‌الله) آنرا اختصاری کرده است ازحد بیرون از بهر سید اجل مرضی رضوان‌الله علیه که او یگانۀ روزگار بود و مرضی نام نهاده. «ازمقاله با زهدم روضه المنجبین کتبی از مقابله نسخ خطی (کتابخانه‌های آف‌سید جلال‌الدین طهرانی (رک: گاهنامه سال ۱۳۱۱ م ۱۹۲۶)، ملی ملک شماره ۳۶۰۰ و بشماره ۳۳۶۶ و دانشگاه استانبول بشماره ۱۶۱۸) تصحیح شده است»

در کشف‌الظنون حاج خلیفه (چاپ دوم ترکیه ۲۲ ستون ۱۹۳۱) چنین آمده است: «رفیق علی بن احمد نسوی علم النجوم اربع طبقات الاولی معرفة وتم التتویم...» (ت. ن. ک)

۳- در حدود سال ۱۲۰۰ کتابی در علم حساب بیادسی نوشته و همان کتاب را بنام «الفی فی الحساب الهندسی» زبان عربی در آورده و علاوه بر آن کتب دیگری نیز در علم ریاضی بر وی نوشته است مانند کتاب الاشباع که ویدمن (Wiedemann) آنرا آلمانی ترجمه کرد «اربع نوبت در ایران آقای دکتر ذبیح‌الله صفا تهران ۱۳۳۵ ج ۱ ص ۳۳۹» -

نسخه‌ای از کتاب «کتاب التجرید» او (دوفن هندسه مشتمل بر بخش مقاله) در رامپور موجود است (رک: فهرست کتب عربی کتابخانه رامپور - رله‌پور ۱۹۰۲ م. ص ۱۷۷ (تسه‌صان‌العکبة چاپ لاهور ص ۱۰۹ ح ۵))

شهردیلان بی‌ای‌الغیر رازی در ترجمه‌نامه علایی (مقاله هشتم، نوع ششم) چنین می‌گوید: «در حدیث‌اشمن مشغوف بودی بر خواندن علوم ریاضیات و کتاب اقلیدس رحل اهل‌الزیج و فصول درعانی در هیئت‌الکلاک بر استاد مختص‌علی نسوی همی خواندم، یک‌روز کلافی چند تن دادی و گفت در خاطر و فهم تو سرعتی وحدتی می‌بینم که با دیگری نیست، بر این تأمل کن که از بهر دانستن تاریخ‌سال در زوالات از مطالع مولود دور ساله ساخته‌ایم یکی بر زحل و دیگری بر مشتری، از آنج این هر دو بطی‌السریر اند، لیکن از بهر رحمت

بیه‌ساحبه در نسخه قدیم

و استقامت راست نمی‌آید، من در آن اندیشه کردم و دیگر روز گفتم مدت سال بقیاس از خداوند مطلع بتوان دانستن بتفاوت یک دور روز و ماه بقریب از تقویم هس مانند و اگر در سیر زحل و مشتری رحمت و استقامت است، در جو زهر نیست و در او از آن مشتری سنگی تر و سهل‌آستر و آنست که وسط‌سال و ماه و روز آن تاریخ که خواهند از دو ایزده برج وضع کنند، تقویم جو زهر باز آید. همین عمل معکوس باید کردن و وسط از تقویم بدست باز آوردن و فوس بستن از جدول مجموع و مبسوطه فاسال و ماه و روز پیدا آید. درین هجی‌مانند و گفت بدین آسانی نهاده بود، اما ندانستیم و بی‌مسطر راست می‌آید این همه تطویل چیست...»

نسخ خطی روضه المنجبین

الف - آقای سید جلال‌الدین طهرانی در میطه‌ارمغان (سال سیزدهم شماره ۴ ص ۲۵۷) نوشته‌اند: «کتابت نسخه اصلی این کتاب (یعنی روضه المنجبین) که در حدود ۵۰۰ هجری نوشته شده است و نزد اینجانب است تمام برسم تهیه است یعنی ذالهای معصومات بصورت خودجیب‌ها بجای خود است... (کی بجای «که»، «انج بجای «آنج»، و «ده بجای «ده» است)

نیز در گاهنامه سال ۱۳۱۱ (ص ۱۲۶ - ۱۲۷) نگاشته‌اند:

«این کتاب مدتی ملک ملا مظفر منجم کتابی بوده و بخط خود در ظاهر کتاب نوشته است «کتاب روضه المنجبین من مشکلات الیه الاقل مظفر النجم الجنائیدی محل مهر (الیه مظفر منجم) ملا مظفر در کتاب تنبیهات و دست‌باب‌الغلبینوید که صاحب روضه المنجبین چنین گوید و در آخر کتاب تنبیهات در ذکر مآخذ کتاب خود مینویسد روضه المنجبین حکیم شهردیلان رازی»

پ - آقای سید حسن تقی زاده در «گاه‌شماری در ایران» (ص ۲۰ ح ۴۰) نگاشته‌اند: «... یک کتاب فارسی بی‌اسمی که در کتابخانه دولتی بران نعت

MS. orient. Quart 848

علاقت و نرسه

محفوظ است و ظاهراً در حدود ۶۱۶ هجری تألیف شده (ورق اول و

بیه‌ساحبه از نسخه قدیم

آخر و بیاری از یوزاق دیگر آن امتدادہ) متعرج است کہ خالی از فایده نیست . . .

یوزاق گاہ شماری (ص ۲۳۴ - ۲۳۵) نوشته اند . « کتاب بی اسم فارسی نسخه برن اگرچہ مبالغ مولودی از سہ حیب (۶۱۲) و بسکی دیگر از سہ ۶۳۴ دارد با احتمال قوی قدیمتر است و این نراقہ یا نیشی از غلط کتاب و بالفاظی است چہ عجلادہ بر آنکہ مثال تطبیق تواریخ کہ میر نہ از سہ ۴۶۶ هجری و ۴۴۳ یزد گردی و « ہراز و تیرست و ہشتاد و پنج رومی » است از سہ دمختض علی بن احمد نسوی ایدانہ تأییدہ (کذا) حرف میر نہ کہ دلیل بر حیات نسوی بودہ و این منجم بقول سوزن دو عهد مجدالولہ دیلی بودہ و بعد از آن بادشاہ نیز حیات دانستہ است کہ مطابق تیبہ اول قرن پنجم میشود . غلط و املا و اشای کتاب نیز بسیار قدیمی است .

از حیات تیکہ دو فہرست کتابخانہ مجلس شورای ملی (طہران سنہ ۱۳۱۱) صفحہ ۱۰۸ در شرح نسخه کتاب صور الکواکب عبدالرحمن صومی بتقریب کتاب و روئے النجین شہر دامن ای الغیر داری نقل شدہ و ہیئتاً با عبارت کتاب بی اسم فارسی نسخه برن کہ ما ہیئتہ فقرہ از آن نقل کردیم مطابق است معلوم میشود نسخه برن همان روئے النجین است . . .

ج - نسخه قدیم کتابخانہ ملی ملک (تہران) بشمارہ ۳۶۰۵ (روئے النجم) - تحریر در تہران ۶۱۰ هجری (مخطوطات)

ک - نسخه ای از ورق - ط ۵۴۱۶ تا ۳۷۲۲ در مجموعہ مؤسسال کتابخانہ مؤزہ بریتانیا (لندن) بشمارہ Add 27, 261 مخطوطات این مجموعہ مشتعل بر بیست و سہ کتلب و رسالہ است .

نسخہ روئے النجین بتوسط ناصر الکاتب تحریر شدہ است این مجموعہ از ۸۱۳ تا ۸۱۴ هجری برای حلال النجین اسکندر بن ہرشیخ بن تیمور (متوفی ۸۱۷ ه) کاتب شدہ است (رق: فہرست نسخہ های فارسی مؤزہ بریتانیا ص ۲۷ ۸۶۸ - ۸۷۰)

فہرست کتب درصحنہ بعد

Charles Rieu Catalogue of the Persian Manuscripts in the

British Museum - Vol II - London 1881 - pp 868 - 870 )

۵ - نسخه ای در مجموعہ کتابخانہ دانشگاه استانبول بشمارہ ۱۴۱۸ مخطوطات ، فیلسی از آن در کتابخانہ مرکزی دانشگاه تہران بشمارہ ۲۵۴ موجود است .

این مجموعہ شامل مؤلفات ذیل است : روئے النجین و زیج ایلخانی و در حاشیہ آنہا ۱ - احکام الاعوام - ۲۰ - احکام تعاولیل - ۳ - برہان الکفایہ ( یاد داشت آقای علی بنی منزوی) - نسخه روئے النجین در ۸۱۳ ه تحریر شدہ است (ت . ن . ک)

و - نسخه ای در کتابخانہ ملی ملک (تہران) بشمارہ ۳۳۶ (روئے النجین) - تحریر در ۹۹۳ هجری (مخطوطات)

ز - از ورق ۷۷ تا ۸۵ در مجموعہ ای متعلق بہ کتابخانہ مؤزہ بریتانیا (لندن) بشمارہ Add . 23 , 568 متشبی فارسی از روئے النجین موجود است . این متن بہ شامل مقالات پنجم روئے النجین در مسائل علل و اسباب است .

این مجموعہ از سال ۸۸۹ تا ۸۹۴ ه تحریر شدہ است  
ح - از ورق ۳۶ ب تا ۴۸ ب در مجموعہ ای متعلق بہ کتابخانہ ملی ملک بشمارہ ۳۱۸۱ متشبی فارسی از روئے النجین موجود است . در مقدمہ این متن بہ چنین آمده است : . . . در حسب خواهش این چند مقالہ انتخاب افتاد از کتاب روئے النجین کہ میان ارباب این صناعت از آن مشہورتر و معروفتر است کہ در مصنف آن یاد کردہ شود از آن جملہ مقالہ مسائل فی الملل و الاسباب . . .

«الساہیل فی الملل و الاسباب» مقالہ پنجم کتاب روئے النجین است . این متن بہ بتوسط حسین بن مسلم در ۹۳۱ تحریر شدہ است .

ط - نسخہ ای از روئے النجین ناقص الاول در کتابخانہ ملا فیروز (حبی) بشمارہ ترتیب 39 - I موجود بود .

فہرست کتب درصحنہ بعد

صیبه هرک او ... در میان آن که در زمانه که نژادی ارشمیدس را که میزبان  
 غیره میار معروض است ساخت و آنرا سلطان اصب (سحر) تقدیم کرد و سلطان  
 بعد از خویش سعادت بهیچ روز ... حازن که در جوهر آن خزانه سلطان قلب کرده  
 و صفت بسیار آری و نامشود و از یوحنا است سحر اندیشه داشت ، تصور آنکه آن  
 نژاد صیبه کشف حیات نو کرده و گرفتار خشم و عفت سلطانی خواهشده آنرا  
 خود کرمتر و زودتر بن ساخت . ابوحاتم که آن خبر شنید از آن رو که کرده  
 حازن سلطان سزید که تمام رحمت چندین ساله اش یکباره از دست شد ، دلشک  
 و ضعیف گردید و از آن امور رجوع و سبب گشت ، و در آن بیماری جهان را  
 بگریه کرد .

۱- خرد آقای کبر محمد معین

۲- در کتاب نامه مرحوم دهخدا ابوحاتم مظفر اسفزاری (ت. ن. ک)

بیضایه ارسطو

این نسخه در ۸۲۲۰ شرح شده است .

۱- فهرست کتابخانه ملایریوز تألیف رها تیک - پیشی ۱۸۷۳ ص ۲۲ - ۲۳

E. REHATSEK - Catalogue Raisonné de l'Arabic - Hindostani - Persien  
 and Turkish MSS in the MuIIa Firuz Library - Bombay 1873 - p 22 - 23

۲- سن الرمز السیاهی .

۱- یادداشت آقای سبلی مدیر کتابخانه ملی (ملک)

در زمره نامه های پیشین آمده است

« رسالتی ساخته » و « مراحل الرمز السماوی اجل من الکنوز الدنیایه (کذا)  
 نام کرده و ده فصل است از یکی تا در اعداد مادن المشره و اندر هم از چند گونه  
 بیاید متفان ... »

۱- از انعام زهر نامه « علی (گفتار در مردم و حال نفس) نسخه کتابخانه بودلیان  
 (ت. ن. ک)

میزان ارشمیدس<sup>۱</sup> - در باب آسمان میزان ارشمیدس که ابوحاتم ساخته است  
 خازنی معاصر او که در حدود (۵۱۵) کتاب معروف خود میزان الحکمه را تألیف  
 کرده چنین گوید . « ثم فی مقدارها العاشر (۳) ثبته الله نظریة (۲) الامام ابوحقین  
 عمر الخیامی و حقق القول فیه و برهن علی صحة رسمه و العمل به لئلا معین دون میزان  
 معلم و کان معاصراً لالامام ابوحاتم المظفرین اسمعیل الاسفزاری الطری فی مدة احسن  
 نظرو متأملاً فی صنمته و متأنفا فی حدیثه . و فی هیهات العمل به علی من اراده و زاد  
 فیه منقلبتین للتمیز بین جوهرین مختلفین ، و انذار الی امکان وجود مراکز الفزات  
 علی عموده استقره و رسدا لئلا معین الا انه لم یشر الی کمیة ابعاد عین المحور احرازه  
 و عدداً و لا الی شیء من اعمالها سوی شکل میزان ، و سماء میزان الحکمه و همتی الی  
 ورحمة الله تعالی قبل اتمامه و تدوینش . »

و در ترجمه همین کتاب میزان الحکمه عبد الرحمن خازنی در باب وضع آنرا و  
 حکمت و جهت انشای آن بارشیدس و دیگر حکمای پیشین و متأخران که در آن  
 سخن گفته اند در فصل چهارم آن چنین آورده شده . « بعد از آن میزان تحول

۱- عنوان را آقای دکتر محمد معین افزوده اند (ت. ن. ک)

۲- نسخه ای بسیار نفیس از میزان الحکمه خازنی در مکتبه محمديه مسجد جامع  
 پیشی) محفوظ است . این نسخه بتوسط ابونصر احمد بن محمد الطریقی در ۵۸۵ هجری در  
 بندر هرمز تحریر شده است (درک : تنه صوان الحکمه چاپ لاهور ص ۱۶ ح و نیز درک  
 میزان الحکمه چاپ حیدرآباد دکن ص ۱۶۹) (ت. ن. ک)

۳- میزان الحکمه چاپ حیدرآباد دکن ص ۸۸ درک ؛ حواشی و ایادات تنه صوان  
 الحکمه چاپ لاهور ص ۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵ (ت. ن. ک)

۴- آقای جلال همای در مقدمه مصباح الهدایه تألیف عزالدین محمود بن علی  
 کاشانی (چاپ تهران ص ۳-۴ (حاشیه) ) نوشته اند . « در این کتاب (یعنی میزان الحکمه  
 عبدالرحمن خازنی) مکرر از خیام و بیسی آثار او در علوم طبیعی نام می برد و مطالبی از  
 روی نوشته های او نقل می کند از جمله در فصل چهارم راجع باصل وضع و اختراع میزان  
 آبی برای تشخیص وزن مخصوص اجسام و اسامی مختصر آن پس از ذکر نام ناآشناهایی  
 که در عهد غزنوی با اختراع این ترازو موفق شدند ، مانند اسناد ابوریحان بیرونی ، بقدر  
 اسامی مختصر همان عهد سلجوقی می بردارد . « (تلیقات چهارمقاله ص ۳۰) »

چرخ سارتن در «مقدمه بر تاریخ علوم» (بالتیور ۱۹۳۱ ج ۲ ص ۲۰۴) نوشته است  
 George Sarton-Introduction to the history of Science-Vol II-Bal  
 timore 1931 p.204.

که بقول خازنی ، مظفر اسفزاری وزن مخصوص میرا مورد مطالعه قرار داده بود (ت. ن. ک)

فانزه امام ابوحنیفه عمر الخیلمی در آن نظر کرد و بردستی آن برهان بیادرد و امام  
ابن المظفر (۲) اسفروای مدتی در آن تأمل میکرد، و در آن معنی چند زیادات بیندیشید،  
و آن را میزان الحکمة نام کرد، و پیش از آنکه آنرا تمام [ کند ] و بیاض سرد  
بجواری رحمت حق رفت تقمده الله بر حمته...<sup>۱</sup>

و در تذکره التوادیر<sup>۲</sup> از خانم کتاب میزان الحکمة که ظاهر آن مؤلف دیگری  
غیر خازنی باشد در باب اقسام ترازوهاو آلات آن عبارات ذیل نقل شده<sup>۳</sup> : « و تفصیل  
ما فی التصنیف من الآلات و الموازین المذکورة فی الكتاب عشرة اولها السانج  
المشهور ذوالکفتین ، و الثاني المیزان الکالی ، ذو ثلاث کفات ، و الثالث ذوالکفتین ،  
و العلامات الارشمیدیس ، و الرابع ذوالشمرات و الکفتین ؛ احدهما سلسلة سیارة  
و الثانية نبتة لمحمد بن زکریا الرازی ، و الخامس الجامع ذو کفات للشیخ الامام ابی  
حسام المظفرین اسماعیل الاسفرائینی (کذا) ، و السادس میزان الصرف...<sup>۴</sup> ، و الثامن  
الغبان المدظفر و التاسع میزان الارض ، و العاشر میزان الازمان و الساعات »

از آنچه در کتاب میزان الحکمة و ترجمه آن آورده شد معلوم میگردد که  
غیر از ابوحنیفه چند نفر دیگر از حکما دیگر در ترازوی ارشمیدیس و ساختن نوعی از  
آن اندیشه کرده و هر یک بر آن چیزی افزوده و آنرا تکمیل کرده، و بعضی در آن  
باب مسائل نیز پرداخته اند، و دیگر آنکه از اقسام ده گانه ترازوهائی که در کتاب  
میزان الحکمة ذکر شده سه یا چهار نوع آن نتیجه اندیشه و فکر ابوحنیفه است، و از  
این رو میتوان دریافت که وی در این راه پیش از دیگران ره کشیده، و چنانست که  
بعضی گفته اند « دوره زندگانی خود را در این راه صرف کرده است » و سعدیگر آنکه  
۱- رک : حواشی و توضیحات قرآنه طبییات بقلم آقای دکتر غلامحسین صدیقی.  
ص ۱۷۰

۲- ترجمه میزان الحکمة عبدالرحمن خانی ، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس  
رضوی (مشهد)

۳- تذکره التوادیر من المخطوطات العربیة طبع حیدرآباد دکن (دره ۱۳۰ ص ۱۶۶)

۴- کذا

۵- کذا

۶- نوع هفتم از کتاب تذکره التوادیر افغانه است.

ابوحنیفه را نیز رساله ای بنام میزان الحکمة تراجم بخصوصیات این ترازو بوده که قبل  
از رسیدن آن بیامان در گذشته است ، و از کلام ابوالحسن یقهقی<sup>۱</sup> ظاهر است که  
ابوحنیفه اصل ترازور را ساخته و آنرا کمالا پرداخته و سلطان اعظم بعضی سامان شجر  
تقدیم داشته است.<sup>۲</sup>

**آثار او** - از آثار بسیاری که بعد از او دست داده اند تقریباً دو رساله مختصر<sup>۳</sup>  
چیزی بجا نیست، و همه آنها در اثر حوادث نابود شده، بدین جهت شهرت و آوازه ای  
که او را در روزگار خویش بوده کم کم از میان رفته و مقام علمی او درین برده های  
فراوشی مانده بنا بر این بچگونگی احوال و مقام علمی او جز از روی گفته دیگران  
پی نتوان برد، و او را چنانکه بوده نمیتوان شناخت ابوالحسن یقهقی درباره مقام و  
مرتبه او در تهنه صوان الحکمة گوید : « او مرتبه بلند و ارجمندی در علوم بوده و با  
امام عمر خیام مناظرات و مباحثاتی داشته، ولیکن مرتبه خیام از او برتر بوده است »<sup>۴</sup>  
چنانکه گفته شد ویرا تألیفهای بسیاری در بیشتر علوم بویژه در فنون ریاضی و آثار  
علوی و جراثقال و فن حیل و حرکت کواکب بوده که همه ازین رفته و آثار آنها  
جز دورساله که در زیر نام آنها برده شده فعلا در کتابخانه های که فهرست آنها  
منتشر میباشد، نسخه دیگری موجود نیست

۱- رک : ۱۷۰ مقاله حاضر

۲- رک : مقاله ثانی میزان الحکمة (ص ۳۸) بعد از در مقامات مرکز نظرها و سنت  
قیان مظفر اسفزاری؛ و نیز رک . مقاله پنجم (ص ۹۳) بعد از همان کتاب دوست میزان  
الحکمة و ترکیب آن و امتناع کردن آن و تعریف آن، و در ساختن اعضای آن بنا بر آنچه که  
مظفرین اسماعیل اسفزاری ، آن اشاره کرده است. رک : دائرة المعارف اسلام ذیل کلمه  
المیزان بقلم ا. ویدمان.

۳- تهنه صوان الحکمة صفحه ۱۲ (چاپ لاهور)

۴- آثار دیگری از ابوحنیفه مظفر اسفزاری موجود است که پس ازین معرفی میکنیم  
(آ. ن. ک.)

۵- ص ۱۷۰ مقاله حاضر

۶- لست نامه مرحوم دهخدا ابوحنیفه مظفر اسفزاری (آ. ن. ک.)

۱- اختصار اصول اقلیدس که نسخه از آن در ایران موجود است.  
 ۲- رساله آثار علوی یا کائنات جو که آرا پیام فخر الملکین نظام الملک<sup>۳</sup> پیش از سال ۵۰۰ هجری تألیف کرده است. این رساله که مؤلف آن مسائل دقیق علمی را بزرین سادگی پیاسی با بیانی جزول و شیوا و با بهترین اسلوب نگارش، جمع و تفکیک کرده از نمونه های خوب زبان فارسی است و با ارفقیات شکرانی که بزمان ما در علوم و فنون طبیعی حاصل شده چنانکه علوم طبیعی امروز را عنوان باطبیعت پیشین قیاس کرده و با آنکه در اثر تکمیلی که در علوم پدید گشته اختلاف آنها بسیار شده باز در دوره ای فزاینده این فن و آنچه در این رساله آمده است می بینیم که در آن تقریری راه یافته و نتیجه افکار علماء امروزه تقریباً همانست که

۱- پاریس

۲- حواشی تفسیر صوان الحکمة (چاپ لاهور من ۱۱۹)

۳- مظهر مفر الملکین نظام الملک طوسی که جزی باشتیاء نام او را علی نوشته اند [ معنی تفسیر صوان الحکمة چاپ لاهور من ۱۱۹ ح - ] (آقای دکتر محمد معین) مدنی منصب حاجی برکیاروق بن ملکشاه داشت و در سال ۴۸۸ هجری برادرش مؤید الملک بن نظام الملک وزارت برکیاروق معین شد؛ پس از فوت برکیاروق پشاور آمد و سلطان سنجر وزارت خویش بود و در ایام وزارت در... سال ۵۰۰ هجری بدست باطنیها کشته شد.

۴- در مقدمه نسخه خطی «آثار علوی» مرحوم دهخدا چنین آمده است: «... میان ایران خویش منظور بوده تدریس آن بود که از خلاصه معلومات اختیاری کند و از اشکات مغفولات خود مثال سارد چنانکه صفت منسوب بود و قدر توان خویش اندر آن تکلف کند و مر آن را تحفه سازه و عرضه کند بر مجلس عالی مولانا نظام الدین نهر الملک ابو الفتح مظفر بن قوام الدین مظفری امیرالمؤمنین که همیشه ملجأ و ملاذ فاضلان و پرست و پناه عالمان یاد و آنحدی تمام استخاره خواهد وقتصد کردن بدان مجلس...» (رساله آثار علوی یا کائنات جو تصحیح آقای مدرس رضوی ص ۱۱۶)

۵- آقای دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲ ص ۳۰۹) نوشته اند: «در یازمین و نهمین (از دهه قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم) در دستگاه امرای و رجال اهمیت دافر خود را هنوز از دست ندهاده بودند... بعضی از مؤلفین ریاضی این عهد آثار مشهور خود را بر زبان پارسی نوشته اند و این از اختصاصات این دوره است که تألیف کتب بر زبان پارسی در علوم مختلف متداول و معمول گردید» (آن که)

بوده؛ و جز در بعضی جزئیات تفوتی در آنها نیست.  
 رساله مذکور را آقای مدرس رضوی تصحیح و در تهران سال ۱۳۱۹ منتشر کردمانند

الف - شهر دانی از ابوالخیر دانی تمام این رساله را با حواصی مقدمه درازت نامه علاسی وارد کرده است

ب - قاضی زین الدین عمر بن سهلان ساوی<sup>۱</sup> در «الرساله الشجریه فی

۱- در اینجا آقای مدرس شرحی واضح باین رساله و توجه دانشمندان بدان نسخ خطی آن آورده اند. نمونه ای ازین رساله در صفحات ۱۱۶-۱۱۷ تعلیقات چهارم ماه آمده (آقای دکتر محمد معین)

۲- آقای دکتر محمد معین در الهیات و دانشنامه علمی (تهران ۱۳۳۱ هجری قمری) نگاشته اند: «قاضی زین الدین عمر بن سهلان ساوی (ساجی) حکیم ایران در قرن ششم و ماضی سلطان سنجر (۱۲-۵۴۸-۵۴۸ قمری) است (مهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا - رید - ج ۲ ص ۴۳۹ ستون ۲) مولد او ساوه بود و وی چندی بدانجا شغل میوزید و چون کتابخانه او بساوه بروخت وی بنیسا پور هجرت کرد و با استخراج کتاب «فغان» این سیبا ماش میگذاشت و از آن کتاب سالی یک نسخه میکرد و صد بنابر میروخت از تصنیفات او «بصائر التصیری» است در منطق که بنام نصرالدین ابوالقاسم معبود مظفر وزیر سلطان سنجر کرده است (رک: لت نامه مرحوم دهخدا: ابن سهلان) کتاب «بصائر التصیری» باشتیای عینی اختری معلوف و جرجی است. معانی آن تقریباً معانی است ولی فقط نصف آن تصحیح گردید و در مطبعه عثمانیه لبنان سال ۱۸۹۱ م بطبع رسید و بار دیگر کتاب مزبور در بولان سالهای ۱۳۱۶-۱۷ هجری قمری تعلیقات شیخ محمد عبده چاپ شد (مجموع الطبعات ج ۱ ص ۱۷۳)

مجموعه ای در موزه بریتانیا بشماره Add 16,659 نام شرح رساله الرموزه الساسه برساله الطیر للشیخ الریس» موجود است که شواخ آن ناموالشیخ الفاضل عمر بن سهلان الساجی» یاد شده (رک: مهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا - رید - ج ۲ ص ۴۳۹) که بی شک مراد ابن سهلان مذکور است. نسخه ای از همین «شرح رساله طیر» در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره قفسه ۳۱۵ (از کتب تکانی) (مرحوم میرزا طاهر) و بشماره ثبت (دستر) ۲۵۸۰۱ موجود است. آقای دکتر مهدی بیانی مدیر کتابخانه ملی تهران نسخه ای ازین کتاب دارد که در سال ۱۶۹۸ نوشته شده و بنا بر این اندم نسخ مذکور است (الهیات دانشنامه علمی تصدیف ابو علی سینا با مقدمه و حواصی و تصحیح آقای دکتر صفا در مقدمه)

الکائنات العنصرية نوشته است. سپس زاین رساله آورده ام که آثار علوی نام آن رساله استغریه (کتاب فی الکائنات العنصرية) ... خواججه مصغر اسفزاری که درین روزگار بودست در پنج ماسخن میگوید رساله کرده است بیارسی او هم چنین مراد بودست که اینمفسسه بجز داشته است و در علمهای دیگر انقایی نداشته است. خویشین را پیش هر تحقیق دین سلف برهنه کردست و برشمردن خللهای که در آنجست دوازده بود. لکن یک دو چیز استوائی رود نامعلوم شود که این سخن از سر تحقیق مرید بر علم غزروی سلف.

ج - فصلی غزوسی سمرقندی در کتاب چهار مقاله چنین گوید:

بیه رسمه لیل

معدن مین-تهران ۱۳۳۱ شمس ص-پیچ-ید

در منطق بنام «دانشنامه علایی» با در رساله «العلایه» در دست و نسخه های از آن در کتابخانه ای استانبول محفوظست بنشانی ذیل: احد ۳۴۴۷/۸۱؛ ایاصوفیه ۲۵۳۰ و ۲۵۳۱ و ۴۸۲۹/۱۷ حیدیه ۱۴۴۸؛ نورعشانیه ۲۷۴۸/۱. یک نسخه ازین رساله هم در کتابخانه مجلس شورای ملی بشماره ۱۰۸ (مهرست کتب خطی ج ۲- تهران ۱۳۱۱ م ۵۴) و شماره ثبت دفتر ۴۱۴۲ موجود است. درین نسخه رساله منطق مورد بحث با ترجمه فارسی الهیات و طبییات کتاب اشارات (ابروعلی) در یک مجلد گردآمده... (مقدمه الهیات ص ج-ح)

بنا بر آنچه گفته شد، این سه کتاب حکیم بنوینده است که کتابی بنام «صائیر» در منطق دارد. و خود او نیز این سه توجیه خاص میلول میداشته، از استنساخ و شفاهی او روزگار میگذرانیده، و رساله نظیر او را شرح کرده است. (آقای دکتر یحیی مهدوی در نامه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۵۲ از پاریس به آقای دکتر محمد مین چنین نوشته اند: «مطابق منطق سلط موسوم به دانشنامه، با همان حدس اینجاب را (در انتساب باین سه توجیه) نویسنده کرده است» که بعدها از آن دانشنامه این سه توجیه خط گرفته دانشنامه علایی و «رساله دلایله» نامیده اند. مقدمه الهیات ص پیچ-ید. آقای دانش پژوه مشغول تصحیح منطق فارسی باین سه کتاب است.

۱- رساله آورده ام (ورق ۲۰۲) از مجموعه رسائلی که در کتابخانه فایح (استانبول) بشماره ۵۴۲۶ محفوظ است این نسخه غلطی در قرن هشتم کتات شده است. عکس از این مجموعه نزد آقای مصبی مینوی موجود است و با استعنازه از ایشان یک ورق استنساخ شد. موجب نهایت اشتغال است. نسخه دیگری از رساله استغریه فی الکائنات العنصرية نزد آقای یلگه در استانبول موجود است. (افادات شفاهی آقای مصبی مینوی)

چون آنگاه این گواهی که در اقطاب این شناس تطبیق کرده و از آن نقطه موجود منمکن گشت از میان خاک و آب بمعومات باد و آتش این جمادات پدید آمد چون: کوهها و کاهها و غیره و در وقت برف و برف و گواهی منصفه و ذوالذنبه و بزرگ رعصی و هاله و حریق و صنعه و زلزله و عیون گواهی که در آثار علوی این را شرحی بمقام خود داده شده است. و در این مختصر بجای شرح و بسط آن بود.

در تملیقات چهار مقاله چنین آمده: «لفظ نظامی غزوسی چنانکه در آثار علوی این (شرحی بمقام خود داده شده است» بیاید اشاره این کتاب پیوسته باشد و غزوسی بآن را در دست داشته است و باین زمین زرت نامه را که عین متن کتاب اسفزاری را نقل کرده بود.»

د - محمد بن مسعود المسمودی در اصل دوم مقدمه رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوه آورده است... خواججه امام مصغر اسفزاری را که در این علم

۱- چهارمقاله نظامی غزوسی بکوش آقای دکتر محمد مین چاپ کتاب فروش زوار- تهران ۱۳۳۳- ۹ ص

۲- رک: مقاله آقای سدون در مجله اجن ه ایوان آسیایی منظمه لیس رساله ۱۹۳۳ م ۶۸۷-۶۹۰

۳- N Seddon's article in the Journal of the Royal Asiatic Society (London) 1933 pp 687-690

۴- از یادداشت های آقای مصبی مینوی (رک: تملیقات چهارمقاله ص ۹)

۳- رساله آثار علوی اسفزاری (آن رک)

۴- در دیبانه رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوه مصنف «معدن مسعود المسمودی» ذکر شده است (رک: اربنل کالج میگزین لاهور ماه ۱۹۸۸ م ۳۱۹)

۵- رساله در معرفت عناصر و کائنات الجوه شامل دیبانه ای از مصنف و مقدمه (از پناه اول فصل) و سیزده باب است. نسخه ای از این رساله در مجموعه ای مشتعل برپا زده رساله بنام «جوهر الصکبه» در کتابخانه کبوترنله موجود است (رک: اربنل کالج میگزین لاهور ماه اوت سال ۱۹۲۷ م (شماره سلسله ۱۰) ص ۲)

نسخه دیگری از این رساله در کتابخانه حاج شیخ علی اکبر نهاروندی در مشهد موجود است. این نسخه در ۱۳۳۳ تحریر شده (رک: الذریعه تألیف آقای محمد مصعب معروف به شیخ آغا بزرگ طهرانی-تهران ۱۳۴۱ م قمری ج ۱ ص ۸۸-۹۰)

ریاضی در روزگار خویش می نظیر و همدارالبه بوده همین تصور اقتاده بوده است تا در  
آذربایطولی که بنام وزیر فخر الملک تصنیف کرده باین معنی تصریح کرده است. <sup>۱</sup>  
مسعودی در باب هشتم آن رساله در سبب پدید آمدن قوس قزح چنین نوشته  
است: «و فضل ترین متأخران خواجہ ابوعلی بن عبداللہ سینا در بعضی از کتب خویش  
چنین می گوید که سبب اختلاف الزمان اورا چنانکه می باید مرا معلوم نگشته است»  
اما بعضی محصلان تکلفی کرده اند و چیزی گفته و خواجہ امام مظفر اسفزاری آنرا  
مشخص کرده است و در آثار علوی خویش آورده و بر آن مزیدی نیست همچنان  
نقل کرده در این مختصر، ولو سه مقدمه آورده است. <sup>۲</sup>

۵ - غیات الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی در دانشنامه جهان  
۱- اورینتال کالج میگزین لاهور، ماه مه سال ۱۹۲۸ م. ص ۴۲ (وک: تنه صوان  
الحکمة جلد لاهور ص ۱۱۹ ح ۸)

۲- اورینتال کالج میگزین لاهور، ماه مه سال ۱۹۲۸ م. ص ۶۲  
۳- دانشنامه جهان» کتابی در حرکت طبیعی است تألیف «غیات الدین علی بن علی  
امیران الحسینی الاصفهانی» در ۸۷۹ هجری، بنام سلطان مسعود بن ابوسید بن محمد بن  
جلال الدین میرانشاه بن امیر تیمور (سلطان مسعود از سنه ۸۶۴ هـ حاکم کرگان و مازندران  
بود و در ۸۹۹ هـ در مرو او را التهر یادشاهی نشست. و فاش در سنه ۹۰۰ هـ است (وک: طبقات  
سلاطین اسلام تألیف ستانلی لین پول

(S. Lane-Poole—Muhammadan Dynasties—London 1893 and 1925)

ترجمه مرحوم عباس اقبال (تهران ۱۳۱۲ م مقابل ۲۳۸) و تاریخ مختصر ایران  
تألیف یادفرن (ترجمه باوحاشی و تملیقات آقای دکتر رضازاده شفق- تهران ۱۳۱۴ هـ  
شمسی (۱۲۹۹) و نیز مجامع الانساب (ترجمه عربی کتاب زامباور ص ۴۰۱-۴۰۲

Manuel de Genealogie et de Chronologie par E. D. Zambaur  
Hanovre 1927) (ک. ن. آ)

این کتاب مشتمل است برده فصل و بیست اصل و چهار تئیه و خاتمه و یک دوره علوم  
طبیعی را بدو شرح مبدأ خلقت عقل و حس و بیان صفات انسانی شرح داده و بسیار موجز و ساده  
و آسان و استادانه تحریر شده است و از قدیم های طبیعی «کوه مراد» تألیف لاهیجی روان تر  
و فیهما در است. این کتاب نیز از الوجود در اصل بنیاد از حیث سادگی و ایجاز پیشوای متقدمان  
است، اما الحاح فایده طلب و روشنگری و سهولت بیان در عالم خود تازه و از ایجازهای  
مغل در رمزها و عقیده که از معنیات کتب علمی قدیمت خالی میباشد. و نیز اصلاحاتی از نظر  
فیه در سطحه بند

(مؤلف بسال ۸۷۹ هجری قمری) در باب قوس قزح نگاشته است: «و تحقیق این  
بیان موقوف است بر دانستن سبب این سه چیز که در وی معتبر شده: اول - آنکه  
عکس آفتاب بجمسب درین اثر تنگ شفاف می افتد دوم - آنکه اختلاف رنگهای او  
بجمسب است؛ سوم - آنکه بجهت سبب مثل کمان و بارچه از فایده می نماید و معنیای  
این بر سه مقدمه است:

مقدمه اول و دوم از حکیم مظفر اسفزاری (دی) منقول است و مقدمه سوم از شیخ  
ابوعلی و امام فخر رازی و دیگر متأخران است.

فیه ارضطه قبل

معاصر در آن یافت میشود. «از سبک شناسی مرحوم مصدق بیار (ملک الترام) ج ۳  
ص (۲۲۲، آ. ن. ک)

نسخ خطی دانشنامه جهان:

۱- نسخه متعلق به کتابخانه ملی ملک شماره ۵۱۶

مؤلف «غیات الدین علی بن علی امیران الحسینی الاصفهانی» ذکر شده است این نسخه  
ناقصه در ۸۸۴ هـ تحریر شده است.

۲- نسخه متعلق به کتابخانه ملا فیروز بشارنده در ۹۰۸ هـ تحریر شده است.

(وک: فهرست کتابخانه ملا فیروز تألیف رحمانک. بهشتی ۱۸۷۳ ص ۱۱۸)

۳- نسخه متعلق به کتابخانه دیوان هند (لندن) بشماره ترتیب ۲۱۷۳ توسط غلام  
احمد در ۱۰۷۷ هـ تحریر شده است

مؤلف «غیات الدین علی بن امیران الحسینی الاصفهانی» ذکر شده است

این نسخه بجای ده فصل، دارای یازده فصل است

(وک: فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند کتفورد ۱۹۰۲ ج ۱ ص ۱۰۷  
۱۱۸۷-۱۱۸۶

H Ethe—Catalogue of Persian Manuscripts in the Library of the  
India Office—Vol I Oxford 1903—1186, 1187, N 2173)

۴- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه دیوان هند (لندن) بشماره ترتیب ۲۱۷۴ در  
شاه جهان آباد در ۱۱۵۳ هـ تحریر شده است

(وک: فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند ج ۱ ص ۱۱۸۷)

۵- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه ملا فیروز بشماره ۷

در ۱۱۵۶ هـ تحریر شده است

و - در رساله‌های بنام *مشترک کائنات* جو که مؤلف آن شناخته‌شده ولیکن از اینکه مقدمه آن بنام *شاعری اول* آراسته شده معلوم است که از فضلا متأخر و  
 ۱- رساله در شناخت کائنات جو و طبیعت هوا و خاک (از ورق ۲۰ b تا ۲۸ a) در  
 مضموعی ای مشتمل بر بیست و سه کتاب رساله موجود است  
 این مجموعه در کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) محفوظ است - شماره ثبت  
 دفتر ۶۷۷۵ و شماره ۶۶۱ در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (ص ۲۴۴) ثبت است  
 (آن ک)  
 ۲- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی چنین آمده است: ... شاه عباس صفوی  
 بهر فرخان ... (آن ک)

جبه حایفه ارسنه فو

نام کتاب «دانش نامه جهان نما» یاد شده است و مؤلف «عنا ب (صحیح غیاث) الدین  
 محمد حسینی اصفهانی» ذکر شده.  
 در فهرست کتابخانه ملا فیروز چنین آمده است که مؤلف در عهد سلطنت «سلطان  
 محمود گورکان» زندگی میکرد  
 (رک - فهرست کتابخانه ملا فیروز تألیف رهاتک، ص ۱۱۷)  
 ۶- نسخه متعلق بوزیر برناتیا (لندن) بشماره Add 16'829  
 تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حدود قرن هجدهم میلادی کتابت شده و مؤلف  
 «غیاث الدین علی حسینی اصفهانی» ذکر کرده است. این نسخه از ششمین صفحه نتیجه اول  
 سعد ناقص است.  
 در نسخ متعلق بوزیر برناتیا بشماره Or 1839 (در ورق ۲۶۷) و Or 1947 (در  
 ورق ۳۷) متشابه و فهرستی از این کتاب موجود است در آنها مؤلف «غیاث الدین علی بن  
 علی میران الصغینی اصفهانی» ذکر شده.  
 (رک - فهرست ویو ج ۲ ص ۴۳۹ - ۴۴۰)  
 ۷- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه ملی ملک بشماره ۳۵۲۰  
 مؤلف «غیاث الدین علی بن اهران (کناد) الصغینی اصفهانی» ذکر شده است.  
 این نسخه ناقص ظاهراً در قرن دوازدهم کتابت شده (رک - فهرست غلطی نسخ خطی  
 کتابخانه ملی ملک)  
 ۸- نسخه متعلق به کتابخانه مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۲۶  
 مصنف «غیاث الدین علی بن علی میران الصغینی اصفهانی» ذکر شده است - بتوسط  
 عبدالرزاق باخط نسخ در ۱۳۱۳ هـ تحریر شده.  
 ۹- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۳۵  
 مؤلف «غیاث الدین علی بن علی میران الصغینی اصفهانی» ذکر شده است. با خط  
 جبه حایفه در نسخه بند

همزمان آن سلطنت در این رساله که در قرن آمار علوی ساخته شده اقتراضاتی را  
 که یکی از دانشمندان ایشان در کتاب خود بر او حاکم وارد آورده نقل کرده و  
 جبه حایفه ارسنه فو

شکسته نستعلیق تحریر شده - نسخه ناقص است و تاریخ کتابت ندارد  
 ۱۰- نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد) بشماره ترتیب ۶۳  
 (وقتی نائینی ۱۵۱۵) - در این نسخه مؤلف کتاب را سلطان محمود بهادرخان  
 اهداء نموده  
 در فهرست کتابخانه رضوی مؤلف «غیاث الدین علی بن علی میران حسینی اصفهانی»  
 ذکر شده

(رک - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد ۱۳۲۵ ج ۴ ص ۹۸)  
 در «الذریعه» تألیف آقای شیخ آغا بزگ طهرانی (- تهران ۱۳۱۹ هـ شمس ۸۳  
 ص ۶۷) مؤلف «غیاث الدین علی - محمد غیاث الدین بن علی میران اصفهانی» ذکر  
 شده است.

۱۱- نسخه دیگری متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی بشماره ترتیب ۵۶  
 (وقتی نائینی ۱۵۱۶)  
 (رک - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد ج ۴ ص ۹۸)  
 ۱۲- نسخه متعلق به کتابخانه برلین بشماره 826 Sprenger  
 (شماره ترتیب ۳۵۳) مؤلف «غیاث الدین علی بن علی میران الصغینی اصفهانی»  
 ذکر شده است.

f W Pertsch - Die Handschriften - Verzeichnisse der Königlichen  
 Bibliothek zu Berlin - Vierter Band Verzeichnisse der Persischen Hand-  
 schriften Berlin 1888. = 372-374-N 353

۱۳- نسخه متعلق به کتابخانه بودلیان کسفورد بشماره ترتیب ۱۴۵۶ (Fraser 166)  
 تاریخ تحریر ندارد.

مؤلف «غیاث الدین علی بن علی میران الصغینی اصفهانی» ذکر شده است  
 (رک - فهرست اته ستون ۸۹۱-۸۹۲)

Tal. Sachau and H Ethé - Catalogue of the Persian, Turkish, Hin-  
 dūstāni and Pashtū manuscripts in the Bodleian Library - Oxford 1889 -  
 891-892

۱۴- نسخه متعلق به کتابخانه بتگال بشماره H3 (شماره ترتیب ۱۳۲۷)  
 مؤلف «علی بن علی میران حسینی اصفهانی» ذکر شده است.  
 مصنف در این نسخه کتاب را «ابوالفتح سلطان محمود اهداء نموده (رک - ورق ۳)  
 جبه حایفه در نسخه بند



بجوانيك پتكمبير فارود از آنجاست: و بعضی از فضلا [در] رساله كه در این باب نوشته اند  
مقالی ایراد کرده اند نقلش مناسب بود بخار بحقیقت همه آبت و بسیار گسان  
پشتانند كه نه آبت و نه هوا بلکه واسطه است میان آب و هوا از حد آبی گذشته  
و حد هوایی ترسیده و هوای معتدل شود [باز] كه در علم ریاضی در روزگار خود

- ۱- در نسخه كتابخانه مجلس «مقاله» آمده است (ت. ن. ك)
- ۲- در مقدمه رساله آثار علوی با كاتبات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی (سید) «موسط» آمده است - در جای دیگر از نسخه كتابخانه مجلس (ورق ۲۲۵ مجموعه بشماره ۶۶۶) چنین آمده:  
«ممكن است كه مراد خواجه مظفر مذکور از اینکه گفته بخار واسطه است میان آب و هوا» (ت. ن. ك)
- ۳- كذا

بیه حاشیه ارضیه قبل

(رك : فهرست نسخه های غطلی فارسی (ج ۱) آسیایی بنگال) تألیف آقای ولادیسیر ایواخ، كلكته ۱۹۲۴ م ۶۵۲

W Ivanow-Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the (old) Collection of the Asiatic Society of Bengal Calcutta 1924, p. 652, No 1363).

دانشنامه جهان دولوهارو (هندوستان) در ۱۹۲۹ م چاپ رسید

و مصف چنین ذكر شده است : «شیخ بوعلی تانی، مولانا محمد فیثال الدین علی ابن الامیران الصنی» در دیباچه این نسخه چینی (ص ۸) مؤلف كتاب را بجای سلطان محمود ابو الفتح سلطان محمد اهدا نموده

غیر اردانشنامه جهان آثار فیثال بن علی بن علی حسینی اصفهانی شامل مؤلفات ذیل است :

- ۱- دره المساحة - كتابت در ریاضیات كه در ۸۹۰ هجری بنام ابو الفتح سلطان محمود غازی تألیف شد. این حنیف دارای مقدمه و دیباچه و حواشی میباشد نسخه ای از دره المساحة كه در ۹۵۳ هجری كتابت شده در كتابخانه بنگال بشماره 1368 محفوظ است .

( Cf W Ivanow Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Cuzson Collection of the Asiatic Society of Bengal. Calcutts 1926 p 397-398 No 572)  
بیه حاشیه در صفحه بعد

بیه نظیر بوده همین تصور افزاده است باذرات علوی كه بنام فخر الملك وزیر اختیار  
كرده است؛ باین معنی اصریح کرده و گفته است كه بخار متوسط است میان جوهر  
آب و جوهر هوا و آن سهوست كه بر آن بزرگ رفته است

- ۱- در نسخه كتابخانه مجلس «موسط» آمده است (شون نغمة نون) در مقدمه رساله آثار علوی با كاتبات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی (سید) «موسط» آمده و این مطابقت باسخ غطلی «آرتولوی» كتابخانه های بوهران، گونا، ملی ملك (بشماره ۸۶۵) و مجلس شورای ملی (ت. ن. ك)
- ۲- نسخه غطلی كتابخانه مجلس شورای ملی (ورق ۲۱۵ مجموعه) (ت. ن. ك) رك : مقدمه رساله آثار علوی با كاتبات جو اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی سید .

بیه حاشیه ارضیه قبل

۲- اسرار العروف

نسخه ای از اسرار العروف در مجموعه ای متعلق به كتابخانه كبریج بشماره ۱۳۳ موجود است .

مؤلف «فیثال الدین علی بن علی امیران الصنی اصفهانی» ذكر شده است این كتاب نام ابوبكر پسر ابوسید میرزا اگر گانی كه برادر سلطان محمود بوده است ، در ۸۷۰ م تألیف شده (از محمود ۸۶۵ تا ۸۸۴ م ابوبكر حاكم هخامن بود) (رك : طبقات سلاطین اسلام تألیف ستانلی لین یول؛ ترجمه مرحوم عباس آقانباغه صفحه ۱۲۳) (رك : فهرست نسخ فارسی كتابخانه كبریج تألیف ادوارد براون

E G Browne A Catalogue of the Persian Manuscripts in the Library of the University of Cambridge - Cambridge 1896 pp. 218-220 No CXXXIII 2)

(رك : مقدمه الهیات دانشنامه علامی بقلم آدی دكتر محمد مین ص ۴-۵ و ۶)

ح ۳-۵

و نیز رك : مقاله «سال تألیف دانشنامه جهان» بقلم آقای ولادیسیر ایواخ در مجله انجمن هایبونی آسیایی، لندن ۱۹۲۷ م ۶۶۹۵

- ۱- در نسخه چاپی دانشنامه جهان ۲۲۸ چنین آمده است : «در این كتاب دانش نامه برین وصیت ختم شد از شهر سنه تسع و سبعین و ثمان مائه»
- ۲- در نسخ اسفراشی با اسفراشی با اسفراشی آمده است
- ۳- از اصل شانزدهم دانشنامه چون كه پس از مقاله نسخه چاپی (ده لود- ۱۲۹۱ م ۶۶۸) باسخ غطلی كتابخانه های مرحوم علامه دهخدا بشماره ثبت ۸۳۵۸۱۶ و ملی ملك بشماره ۳۵۲۰ و غل آقای مدرس رضوی از نسخه غطلی آستان قدس رضوی مشاهده (رك : مقدمه رساله آثار علوی با كاتبات جو اسفزاری (سید) تصحیح شده است (ت. ن. ك)

و بعد مؤلفه شناخت کائنات چو در مقام جواب این اعتراض و ایرادهای دیگری که بر او عالم کرده بر آمده است.

۳- علاوه بر دو رساله که آقای مدرس رضوی نقل کرده اند آثار دیگری از ابوحاتم مفسر انزلی موجود است از جمله: رساله الشیخه.

این رساله از نوادگان مؤلفان پیشین است و بزبان فارسی لوآخر قرن پنجم هجری نوشته شد است.

رساله الشیخه که برای سلطان بر کبابق<sup>۱</sup> بن ملک شاه نگاشته شده نشان میدهد آنچه حقایق ابوحاتم در طبعمات و علم النبات افکار درست داشته است.

د فصول اول این رساله ابوحاتم قولی از قسطنطین رومی خداوند بزرگتر نامیده است.

در جمله این کتاب آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه تهران در تاریخ علوم

- ۱- مقدمه رساله آثار علوی اسفزاری بقلم آقای مدرس رضوی ص ۵۱.
- ۲- دکن همین ابوالمظفر بر کبابق پنجین پادشاه از سلسله سلجوقیان است که مدت ملکش ۴۸۶۶ - ۴۹۸ هجری بوده است.

در چهارمقاله (صحیح مرقوم قزوینی - چاپ لیسن - نسخه دانشکده ادبیات تهران درک تطبیقات چهارمقاله ۱۱۶۶) و همچنین در یادداشتها قزوینی (بکوشش آقای ابرج انتشار تهران ۱۳۲۶ ص ۳۳ تا ۱۵۲) از روی گزیده تاریخ گزیده، تألیف حمدالله بن ابوبکر بیهق صاحب منتهی دونه ۷۲۰ ه چاپ لندن سال ۱۸۶۶ هجری ابتدای سلطنت بر کبابق است.

در تاریخ ایران تألیف ژنرال اسپریری سایکس (Sir Percy Sykes) ترجمه آقای سید محمد امین خضر داری کلابی (تهران ۱۳۴۰ ص ۲۶ تا ۵۴) آمده است که بر کبابق دو سال

سلطنت کرده است (متوفی ۴۸۵) در بغداد رسماً عمری گردید همچنین در طبقات سلطین اسلام تألیف سنان بن یونس (ترجمه مرحوم عباس اقبال ص ۱۳۵) و در تاریخ مختصر ایران تألیف باولمورن (ترجمه باخاوشی و طبقات آقای دکتر رضازاده شفق ص ۱۲۵) و نیز در معجم الانساب (ترجمه هر می کتاب زلفیادور ص ۲۳۳)، جاوس بر کبابق ۴۸۷ ه است.

۳- در نسخه M: فصول ۱۱ آمده.

عقلی در تمدن اسلامی<sup>۱</sup> چنین نوشته اند: «مدرس<sup>۲</sup> بین هلیا<sup>۳</sup> از رومی در مقام مترجمان یاور و مددگار و از شرح احوال او اطلاعات در دست نگارنده ذکر می در کتابتین آمده

و ترجمه کتاب الفلاک<sup>۴</sup> و رساله نجومه بعد نسبت داده شده است.

حاجی خلیفه مگوید: «کتاب الفلاک رومیه تألیف حکیم قسطنطین اسکورا

سکینه ترجمه سر حسین هلداروینی از رومی (یعنی زین العابدین) عربی است

بر دو اذهاب است و آثار قسطنطین لوقا الملیکی<sup>۵</sup> و لوقا کزلیجین<sup>۶</sup> بنی

- ۱- رک تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ۱۶ ص ۳۶-۳۵
- ۲- Sergius
- ۳- Elia

۴- قسطنطین لوقا الملیکی - این اسمی را در ردیف حروفین اسحق تبار او داده و حتی بر او برتری نهاده گفته است. «واجب بود که ذکر او بسبب فضل و بلندی جاه و تقدم وی در صناعت طب بر حین مقدم داشته آید لیکن بعضی دوستان از من خواسته است که حین را بر او مقدم دارم و این هر دو مرد فاضل اند» (الطیبرست جاب مصر ص ۴۱۰)

وی در غالب علوم واز آنجمله در طب و فلسفه و هندسه و حساب و نجوم و موسیقی براعت داشت و در زبان یونانی فصیح و و عبری را نیکو می نونش و از زبان سریانی را خوب میدانست.

اصلش از صاریا شام و از شهر مشهور ملک بود و در گاهی در بغداد سر برد و در آخر عمر نزدیکی از ملوک ارمنستان میکند دارد و آنجا نیز ترجمه و تألیف اشتغال داشت تا در گذشت.

بروایت القطنی قسطنطین در ایلیاس بلاد روم رومی و بسیاری از کتب آنرا با بدست آورد و بشام سفر کرد و سپس بر آن خوانده شد تا قبل آن کتب عبری می یادوت کتب و او همایس یعقوب بن اسحق کتبی بود. قسطنطین عده ای از کتب فلسفی و فلسفی و از فلسفی و از فلسفی یونانی را بر سر بی ترجمه کرد و چون در نقل امین و زبردست بوده ترجمه های وی مود اعتماد قرار گرفت و علاوه بر این بسیاری از ترجمه های مترجمان را نیز تصحیح و اصلاح میکرد و از تفصیلات او آن بود که در عین ایراد معانی کثیر در اخلاص الفاظ سزا میگوید وی علاوه بر ترجمه ها و نظیرها و شروح خود تألیفات<sup>۷</sup> در ابواب مختلف خاصه طب داشت.

(تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۷۱-۷۲)

۵- اسطوانات - از ناقلان متوسط و از مصلحان حایلین اسحق یعقوب بن اسحق الکتبی بود که قسمتی از اشیای اوستورا تغییرا لاسکورا<sup>۸</sup> از رومی برای وی سر می نقل کرد.

هیگر از ترجمه های وی کتاب القطنی سوزانوس<sup>۹</sup> (سوزانوس سوزانوس Soranus d' Ephese) و Soranus le Jeune معروف به Soranus (Soranus) میباشد. و در قرن دوم میلادی است که حین را اصلاح کرد از تألیفات او کتاب Traité des fractures نامی آمده است که حین را اصلاح

نموده حایله در نسخه

بهرتر ترجمه کرده‌اند و ترجمه سرجس کلمات و بهتر از ترجمه‌های دیگر بود این کتاب  
بنازی ترجمه شده و این آیین آرا و پورانه (نظ: و در نامه) خواندند و یکی از مترجمان  
آرا از فارسی معرب به آورد لیکن در این کار از عهد لازم ترتیب و کمال بر نیامده  
است.

از این کتاب الفلاحة الرومية در آثار مغول قسطا و یحیی بن عدی خبری نیست  
و ترجمه حال سرجس هم بدست نیامد لیکن از این کتاب الفلاحة نسخی در دست است  
از نسخه در موزه بریتانیا نام کتاب فلاحه الرومية از قسطوس بن لوقا الرومی و در

۱. کشف الغنون چاپ ترکیه ج ۲ ستون ۱۴۴۷

۲. فهرست کتب عربی موزه بریتانیا، لندن ۱۸۹۴، ج ۱ ستون ۴۶۴

A. G. ELLIS. Catalogue of Arabic Books in the British Museum.  
Vol. I London 1894

کتاب « الفلاحة اليونانية تألیف قسطوس بن لوقا الرومی ترجمه سرجس نه‌الیا الرومی »  
در ۱۲۹۳ هجری قمری در قاهره بیجا برسد

بجه چاپه از نسخه قبل

گرد و دیگر ترجمه کتاب الکنون و الفساد از سطو بفسیر الامفیورس بحریمی. (رجوع شود  
به تاریخ الحکما ص ۳۱۳). فهرست ص ۱۰۸ و ۲۰۲ و ۲۰۸ و ۴۰۸. عیون الانباه فی طبقات الابهاء  
ج ۱ ص ۲۰۴ (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۸۰. نیز رک: ص ۳۵۷ و ۹۶)

۶- ابو زکریا یحیی بن علی بن حمیدین زکریا باع التکریتی المنطقی - از  
متألفین منطقیین قرن چهارم هجری و از شاگردان مشهور ابویشر متی بن یونس و ابویسر  
القرافی و مذهب حارای یقوی بود از خصائص این دانشمند کثرت استنساخ کتب بود  
که در شبانه روز بعد و رفته بالغ میشد و او دوبار تفسیر طبری را استنساخ کرد از جمله  
ترجمه‌های وی یکی کتاب مابده‌الطبیعه از ثامر سطرسی است و دیگر آثار الملو به ارسطو  
تفسیر اسکندر انرودسی اسیایی بحریمی و نقل یا اصلاح شرح تامسطیوس بر کتاب  
النساء و العالم و اصلاح ترجمه ابودوح الصای از فیلسوف اسکندر الانرودسی بر مقاله اول  
از کتاب السماع الطیبی ارسطو و ترجمه طویقا از سریایی بحریمی (متن سریانی آن از  
اسحق بن حنین بوده است)

بحریمی خود نیز کتب در منطق و فلسفه و طب داشت. و فاش در ذی‌القدمه  
سال ۳۶۴ هجری اتفاق افتاد رجوع شود به: اخبار الحکما ص ۲۳۶-۲۳۸. عیون الانباه  
ص ۲۳۵. فهرست ص ۳۶۹ و ۳۴۱ (بده) تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۸۳-۸۴)

نسخه کتابخانه برلین (شماره 291 Lbg 6204) چنین معرفی شده است: « هذه  
نسخة كتاب ما وضع قسطوس بن اسكودراستكيه (اسكودراستكيه) عالم الاروم الذي  
كان يسمى فلسوفة (كنا) فيما وصف وهما يستقني الزراعون وغيرهم من الناس [هذه]  
تم عمله فما يشتمهم الله به في معاشهم فيس هذا الكتاب بالفارسية بترجمه و تفسیر  
بر ترجمه کتاب الازرع وهواثا عشر جزء... نسخه بن آرا این کتاب در کتابخانه ولی‌الدین

بشماره ۲۵۳۰ موجود است و در سال ۱۲۹۳ (۱۸۷۶ میلادی) در قاهره بیجا برسد  
در تاریخ ادبیات عربی بر کتب « چنین آمده است: در ۱۷۹۸ هـ/ ۱۷۹۵ میلاد استنساخ شد  
باهمکاری بطریک پولیتیانوس اسکندری که بعداً حاشیه نوشت: « ذلویو بیجا »

کلیسایوس باسوس سکولاستیکوس را برای یحیی بن خالد بحریمی ترجمه کرده است  
نسخه‌ای خطی از این ترجمه شماره Sbath 1200 موجود است

در لاروس قرن بیستم شرح حال کلیسایوس باسوس چنین آمده: « او سینه یونانی  
قرن دهم میلادی معجمه‌های منتخبات مؤلفین یونانی و لاتینی نام « ذلویو بیجا »  
را که درباره فلاحه می‌باشد باو نسبت میدهند »

۱- Die Handschriften-Verzeichnisse der Königlichen Bibliothek zu Berlin Siebsehter Band-Verzeichnis der Arabischen Handschriften von W AHLWARDT Fünfter Band Berlin 1893 s. 484.  
در این فهرست چنین آمده است که کتاب الفلاحة ارسطوس بن اسکودراستکیه  
(درق ۱) (در درق ۱۳ و ۲۰) اسکودراستکیه برای پسرش فاسوس (درق ۲۰)  
(در درق ۲۵؛ ۴۹؛ باسیس) تألیف کرده است

۲- تاریخ ادبیات عرب تألیف برکن ج ۱ ذیل - ص ۳۶۴  
C. BROCKELMANN-Geschichte der Arabischen Litteratur-Erster Supplement Band Leiden 1937 s. 364

۳- Eustathius  
۴- Patriarche politianus d'Alexandrie  
۵- Geoponika  
۶- Cassianus Bassus Scholastikos  
۷- cf Bibliothèque de Mss-Paul Sbath-Le Caire 1928  
۸- cf Bull de l'Inst d' Eg XIII 1931, 47-54  
۹- لاروس قرن بیستم در شرح معجمه LAROUSSE du xxe Siècle en 6 volumes  
۱۰- کتا  
۱۱- Géoponiques

در واقع نامعارف بر شمس (چاپ چهاردهم) چنین آمده است: «باسوس»  
 کسبوس که نام سکولاستیکوس میاشد، یکی از مؤلفین کشاورزیست که در قرن  
 ششم بعد از آغاز قرن هفتم میلادی زنده میگردید. او مجموعه‌ای از نوشته‌هایی در  
 باره امور کشاورزی فراهم کرده است که بعد توسط شخصی ناشناس مورد مطالعه  
 قرار گرفت و در حدود سال ۹۵۰ میلادی، در دروس سلطنت کنستانتین پورفیروز نتوس<sup>۱</sup>  
 منتشر گردید. این کتاب به شخص امبرده تقدیم شده است. این کتاب حاوی  
 تیرستی ازمناسی است که مورد استفاده قرار گرفته و درباره موضوعاتی از قبیل  
 کشاورزی، پرندگان، زبورعل، لسه، اغنام واحشام...، سگها و غیره میباشد.<sup>۲</sup>  
 در واقع نامعارف پاریس چنین آمده است:

«کسبوس سوس سکولاستیکوس در قرن ششم (میلادی) میزیسته و آثارش  
 توسط سترکیوس که دوست مورخ یونانی آگاتیاس بود، بفارسی ترجمه شد.  
 کنستانتینوس پورفیروزنتوس<sup>۳</sup> هفتم از او نام برده و اشتباهاً او را مؤلف  
 ژئوبوتیک<sup>۴</sup> گفته است؛ نوشته‌هایی درباره کشاورزی که یکی تصنیف ویندانیوس  
 آنتولیوس<sup>۵</sup> و دیگری تلف دیدیموس<sup>۶</sup> است و هر دو از قرن چهارم و پنجم (میلادی)

The Encyclopaedia Britannica - ۱

Geoponica - ۲

Constantine Porphyrogenitus - ۳

ODER-Rheinisches Museum XLV (1890), XLVIII (1893) - ۴

De RAYNAL-Annuaire de 'Assoc. Pour l'Encouragement des Etudes grecques: VIII (1874)

۵- ستوف ۱۶۶۷-۱۶۶۸ در:

PAULYS-Real-Encyclopädie der Classischen Altertums wissen-schaft, Dritter Band, Stuttgart 1899

Sergios - ۶

Agathias - ۷

Constantinos Porphyrogenetos - ۸

Vindanios Anatolios - ۹

Didymos - ۱۰

میباشند؛ بنام یسری ساسی<sup>۱</sup> منقش گردیده است.

۴- منتهی با که ابوحاتم مظفر بن اسمعيل اسرارها را کتاب الحسان فراهم آورده  
موجود است.<sup>۲</sup>

دانشمند محترم آقای جلال‌الدین همایی در کتابت التعمیر لاولان سنامه التعمیر<sup>۳</sup>  
ابوالریحان محمد بن احمد بربری خوارزمی نگاشته‌اند:

بنی موسی بن شا کر یعنی سه برادر احمد و حسن و محمد بن موسی بن شا کر  
صاحب کتاب الحیل که در حدود و ریاضی استادان ما هر بودند. وفات محمد بن موسی در  
ربیع الاول سال ۲۵۹ - ۸۷۳ م اتفاق افتاد (الفهرست ابن‌القائم و ابن‌خلکان)

بنی موسی بعد از ما موم هم خود در این در سنه ۲۶۶ هجری رصدی در سرمن رانی  
بنیاد کردند و در آنوقت بواسطه تعاریب فراتان کارهاشان بختیتر و آستونتر از زیاده  
مأمون بود. استاد ما ابوریحان بدانشندی وحدافت این خانواده و بر صدهای آنها  
اعتقادی بسزا داشته است...

آقای دکتر دبیح<sup>۴</sup> صفا در تاریخ عقلی در زمان اسلامی نوشته‌اند:

بنی موسی بن شا کر منجم - یا بنی منجم - و در آن زمان موسی بن شا کر بنابر قول  
قفطی در علم هندسه استاد بود و بنابر قولی دیگر که هم قفطی نقل کرده است<sup>۵</sup> در

Bassus - ۱

۲- ماخذ:

W. GEMOLL-Berliner Studien I (1884)  
Untersuchungen über die Quellen, den Verfasser und die Abfas-sungszeit der Geoponica

E. ODELL-Rheinisches Museum XLV s 212

KHUMBACHER-Geschichte der byzantinischen bitteratur, s 67

(یادداشت آقای پروفورر-رگیرشمن GHIRSHMAN R)

۳- تاریخ ادبیات عرب بر کلین ج ۱ ذیل-ص ۲۸۲

۴- چاپ تهران ۱۳۱۶ - ص ۱۶۱ ج ۲

۵- ص ۴۶-۴۷

۶- انبیا و السکما ص ۲۰۸

۷- ایضاً ص ۲۸۶-۲۸۷

بنای امر از راه زبان خراسان بود و از این طریق مالی عظیم گرد آورد و در پایان عمر توبه کرد. هنگام مرگ که از سه پسر سفیر باقی ماند که مأمون آنها را باسحق بن ابراهیم المصعبی سپرد و با یکی بنی امیئصور در بیت الحکمه مستقر ساخت و آنان در علوم شهرت یافتند - از این پسران بزرگتر و جلیل تر از همه ابو جعفر محمد (متوفی سال ۲۵۹) بود که در هندسه و نجوم اطلاع بسیار و بمقالات اقلیدس و المجسطی آنتانی دلت و کتب نجوم و هندسه و عدد و منطق را گرد میآورد. وی از بزرگان درگاه و زلف او دیود نا آنکه ترکان پر دولت بنی عباس غلبه یافتند و دولت اهل خراسان از میان رفت محمد منزلی عظیم و مالی فراوان کسب کرد چنانکه مجموع عواید او در سال زرد گاه خلافت و فارس و دمشق و غیره در حدود چهار صد هزار دینار بود و عواید برادر او احمد در حدود هفتاد هزار دینار. احمد از برادر خود محمد در علم فروتر بود مگر در علم حیل. اما سومین آنان حسن در علم هندسه منفرد و در آن صاحب طبع و ذوقی عجیب بود چنانکه بسیاری از مسائل را که قدامتوجه نشده بودند کشف کرد. بنی موسی علاوه بر آنکه شخصا در علوم مهارت و اطلاع بسیار داشتند بترجمه و نقل علوم عبری و قرآنه کتب منقول نیز اقبال و توجه بسیار نشان میدادند و از ثروت فراوان خود در بخل اموال برای تهیه کتب و ترجمه آنها استفاده فراتر کردند. این برادران گروهی از مترجمان و ناقلان و از آنجمله حنین بن اسحق را بیاید دوم گسیل داشتند تا کتب یونانی را از آنجا بیاورند و آنان طرائف کتب یونانی را در فلسفه و هندسه و موسیقی و ارثاماطیقی (حساب) و طب از آن بلاد بیاوردند. بنی منجم جماعتی از ناقلان و از آنجمله حنین بن اسحق و حیث بن الحسن و ثابت بن قرة و غیر آنان با مالی کثیر برای ترجمه می دادند و مجموع این مضارح در ماه به ۵۰۰ دینار می رسید. مراد بنی موسی از این کار آن بود که از مجموع اطلاعات علمی یونانیان بخوبی آگاهی باشد و در اثر همین مطالعات و تحقیقات کتب متعددی در هندسه و علم حیل و جبر کتب و موسیقی و نجوم تألیف کردند که شرح آنها در کتب

علما و حکما آمده است.

۵- بر کلمن از مقدمه فی المساحه (سخنه استابول) ذکر کرده است.

نسخ خطی آثار او

۱- اختصار اصول اقلیدس.

سخنه عربی «المقالة الرابعة عشر من اختصار الامام المظفر الاستقراری لاصول اقلیدس»<sup>۱</sup> از ورق ۹ تا ۱۰ در مجموعه های متعلق به کتابخانه ملی پاریس بشماره ۲۴۵۸ ضبط است

این مجموعه خطی در یک هندسه دان برای خود در سال ۵۳۹ هجری نگاشته است و دارای شکلهای هندسی متعدد است که با دقت رسم شده است.

تعداد اوراق مجموعه ۳۲- طول ۲۷ و عرض ۱۶ سانتیمتر - در هر صفحه ۳۰ تا ۳۷ سطر. این اختصار اصول اقلیدس تألیف امام مظفر استقراری دارای ۱۱ قضیه میباشد و با چهاردهمین مقاله (با کتاب) اقلیدس (که شامل فقط ۷ قضیه است) و با سبب استقلال مطابق است.

۱- رجوع شود به اخبار العکمه قطعی م ۲۰۸-۲۸۶ و ۲۸۷ و فهرست ابن النجاشی م ۳۳۹-۳۴۰ و م ۲۷۸-۳۷۹ (آقای دکتر صفا) بزرگ تاریخ ادبیات عرب بر کلمن- لندن ۱۹۴۳ ج ۱ م ۲۴۱ و ذن ج ۱ م ۳۸۱-۳۸۲ (آ.ن.ک)  
۲- Krause 3 (2708, 1310, 1310) of Deſteri K lälēli Stambul  
No 268

۳- وک: تاریخ ادبیات عرب بر کلمن- ج ۱ ذیل ۸۵۶

۴- Eukleides (Euclide)

۵- وک: فهرست نسخ خطی عربی کتابخانه ملی پاریس تألیف بارون و سولان

م ۴۳۴

۶- Hypicléès ریاضی دان یونانی مقیم اسکندریه بود که دو قرن دوم پیش از میلاد زندگی میکرد. در غالب نسخه های خطی، دو کتاب و پنج بکثیرالطرح های منظم که چهارده و پانزدهمین قسمت اصول اقلیدس را تشکیل میدهند با نسبت دوام - از وی بر رساله منضمه ی در نجوم یونانی مانده است که بوسیله منتل (Mentel) بر شاعر اسیوی خوانده و سال ۱۶۵۷ در Anaphoricus sive De ascensionibus در ۱۶۵۷ میلادی به لاتین ترجمه شده است - بیه خانیه در نسخه بعد

سدبوی<sup>۱</sup> قسمتی از نسخه اسفزاری را بر زبان فرانسه ترجمه کرده و آن را در کتاب نظرات و منتضیات نسخ خطی کتابخانه پادشاهی پاریس<sup>۲</sup> منتشر ساخته است - این ترجمه مشتمل است بر اصل فضا یا بدون اثبات<sup>۳</sup>.

۴- آثار علوی

الف- لزورق a ۱۲۸ b ۱۴۰ در نسخه کتاب زهت نامه علائی متعلق به کتابخانه بودلیان آکسفورد بشماره ۱۴۸۰ (Ouseley 362) شماره اوراق زهت نامه ۱۲۲ طول ۱۲ ۱/۲ و عرص ۸ اینچ - در هر صفحه ۲۳ سطر - بتوسط عبدالواسع اللجوجی باخط نسخ در ۷۰۴ هجری تحریر شده است<sup>۴</sup>.

ب- لزورق a ۱۲۹ تا ۱۴۰ در نسخه زهت نامه علائی متعلق به کتابخانه گوتا (آلمان) بشماره ۱۰۰.

شماره اوراق زهت نامه ۱۶۸ طول ۲۹ و عرض ۱۹ سانتیمتر - در هر صفحه ۲۱-

L A Sédillot -۱

۲- رك : نظرات و منتضیات نسخ خطی کتابخانه پادشاهی پاریس... چاپ پاریس

۱۳۳ ۱۳۶-۱۴۸

(Notices et Extraits des Manuscrits de la Bibliothèque du Roi et autres bibliothèques publiés par l'Institut Royal de France Tome XIII. Paris 1838 pp. 146-148)

۳- رك : کتاب ریاضیون و متعین عرب تألیف سوتر ص ۱۱۴ و نیز رك : مقدمه بر تاریخ علوم تألیف جرج سارتن ج ۶ ص ۲۰۴

۴- رك : فهرست ا- آکسفورد ۱۸۸۹ م ستون ۹۰۶-۹۰۸

بچه حاجیه از نسخه لیل

این اثر اولین کتابی است که از حساب ستینی (sexagésimale) اطلاعات بدست میدهد

(رك : لاروس قرن بیستم درش مجلد)

این اندیم کتابهای : الاجرام والاماد ، المطالع و اصلاح کتاب چهارم و پنجم از اسول اقلیدس را بوی نسبت میدهد.

(رك : تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا ج ۱ ص ۱۰۶)

سفر یا خط نسخ نوشته شده است - تاریخ تحریر ندارد<sup>۱</sup>.

ج - ازورق b ۱۳۵ تا a ۱۳۹ در نسخه زهت نامه علائی متعلق به کتابخانه ملی ملک (تهران) بشماره ۸۶۵ شماره اوراق زهت نامه ۱۰۷ طول ۳۵/۸ و عرض ۱۷/۵ سانتیمتر - در هر صفحه ۲۱ سطر - باخط نسخ نوشته شده - تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حدود قرن هشتم کتاب شده است<sup>۲</sup> رساله آثار علوی این نسخه ناقص است

د - از ورق a ۱۵۲ تا b ۱۶۷ در نسخه زهت نامه علائی متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) - شماره (ثبت) دفتر ۹۰۴۲ و شماره قفسه ۳۲ و بشماره ۲۸۵۵

در فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی ثبت است<sup>۳</sup>

شماره اوراق زهت نامه ۱۸۷ طول ۲۵ و عرض ۱۴ سانتیمتر در هر صفحه ۱۹

سطر - باخط نستعلیق نوشته شده - تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در حوالی قرن دهم هجری کتابت شده است<sup>۴</sup>.

رساله آثار علوی این نسخه ناقص است.

ه - از صفحه ۱۹۱ تا ۲۱۶ در نسخه زهت نامه علائی متعلق به کتابخانه ملی

ملک بشماره ۸۵۹

شماره صفحات زهت نامه ۲۷۰ طول ۲۶۳ و عرض ۱۸ سانتیمتر در هر صفحه

۱- Die Persischen Handschriften der Herzoglichen Bibliothek zu Gotha verzeichnet von Dr Wilhelm PERTCH-Wien 1859.

۲- 30 sq

۳- اکنون این نسخه در کتابخانه Landesbibliothek Gotha موجود است

۴- نظر آقای سیبلی مدیر کتابخانه ملی ملک .

۵- رك : فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی تألیف آقای یوسف انصاری ج ۳

ص ۴۹۰-۴۹۲

۶- رك : مقدمه «احوال و اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سرمدی» بقلم

آقای سعید نفیسی تهران ۱۳۰۹ ج ۱ ص ۲۸

۱۹ سطر - باخط نستعلیق در سنه ۱۲۲۳ هـ قمری تحریر شده.

۹ - از ورق ۱۳۵ b ۱۵۰ در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه انجمن آسیایی  
بنگلک بشماره ۱۳۵۸.

این مجموعه دارای قسمتی از نزهت نامه علائی است.

طول ۲۰ و عرض ۵ ۱۳ سانتیمتر. در هر صفحه ۱۶-۲۰ سطر. با خطهای نستعلیق  
هندی مختلفی تحریر شده. تاریخ تحریر ندارد، و ظاهراً در اواخر قرن یازدهم یا  
آغاز قرن دوازدهم هجری کتات شده است.

۱۰ - نسخه متعلق به کتابخانه مرحوم علامه علی اکبر دهخدا

نسخه مستقی از آثار علوی است بدلیل آنکه:

۱- دارای قسمتی از مقدمه ابو حاتم مظفر اسفزاری است در صورتیکه رساله  
آثار علوی که بنقل شهر دان بن ابی الخیر رازی در نزهت نامه علائی میباشد مقدمه  
مد کوردا نقد است.

۱- نسخه ناقصی از نزهت نامه علائی که در ۸۰۷ هجری تحریر شده، نزد مرحوم کتر  
کازی بود (Dr Casey A. Wood) بوده است.

(رک مقاله ذرح نامه عالی، قلم آقای وما یوسف در مجله انجمن هایونی آسیایی  
لندن ۱۹۲۹ م ۸۶۳-۸۶۸)

این نسخه در کتابخانه حیوان شناسی بلاکر دانشگاه مک گیل مونترال (کانادا)  
(Blacker Library of Zoology-McGill University Montreal) محفوظ است  
(cf. An Introduction to the Literature of Vertebrate Zoology,  
compiled and edited by Dr Casey A Wood and published by the Ox-  
ford University Press, London 1931)

نسخه ناقص دیگری از نزهت نامه علائی در کتابخانه ملی اطریش در وین  
(Die Osterreichische National Bibliothek) بشماره ۱۴۴۹ محفوظ است. در این

نسخه رساله آثار علوی موجود است

(cf. Die Arabischen, Persischen und Türkischen Handschriften  
der Kaiserlich - Königlichen Hofbibliothek zu WIEN vom Gustav  
FLUGEL' Wien 1865, ii s 517)

۲- رک فهرست نسخه های خطی فارسی (انجمن آسیایی بنگال)

تألیف آقای ولادیمیر ایوانوف، کلکته ۱۹۲۴، ۶۵۰-۶۵۱

۲- حاشیه شهر دان در باب صافقهای که در کلان سال ۴۷۷ (۱۰۷۵) ردی  
داده در آن دیده نمیشود. این نسخه بخط نسخ نوشته شده.

۳ - نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد) بشماره ترتیب ۹۶۶  
(وقفی نائینی ۵۹۸۰) طول ۴۳ و عرض ۲۶ سانتیمتر.

خط نستعلیق که بطور کلی در هر صفحه سه ستون نگاشته شده. فصول و  
عناوین بشنجر فیه نوشته شده - دارای ۳ برگ کاغذ و مجیدول تحریر و طلا بپوش جدول  
نسخه ناقص است و تاریخ تحریر ندارد.

این نسخه چون از روی نزهت نامه علائی استنساخ شده فاقد مقدمه است که  
در نسخه اصل موجود بوده و نیز حاشیه شهر دان را در باب صافقهای که سال ۴۷۷  
(۱۰۷۵) در کلان رخ داده است، ندارد.

ط - از ص ۷۰ تا ۷۳ (کتابچه سیزدهم) در مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه  
مدرس عالی سیهسالار بشماره ۲۹۱۱ - طول جلد ۳۲ و عرض ۲۱ سانتیمتر.

باخط نستعلیق در اجرامی سال ۱۰۹۲ هـ نوشته شده نسخه ناقص است  
در تمام خصوصیات از لاشتن مقدمه و فهرست فصول و اسقاط قسمتی از ابواب  
و فصول و غیره همانند نسخه آستان قدس رضوی است.

۱- این رساله ضمیمه نسخه دیگری در مرفه لإحصار و الجواهر (بشاره ۳۷-۳۸  
مترقه - یادداشت آقای حسن ره آورد) همراه بوده است

رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو مقدمه مصحح ص ۱۸  
۲- رک : فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۲۵ ج ۴ ص ۲۱۸

۳- رک : رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری، مقدمه مصحح ص ۵  
۴- این مجموعه مشتمل بر هفتاد و یک رساله و فائده ادبی و ریاضی و فلسفی است.

عنوانها ششگرف - ۲۸۶ ص شماره دارد ۱۴۶ برگ ۳۷ سطر فی هر از حاشیه - اندازه

سطر ۲۳۱۱۱۲ متن با حاشیه ۲۷۱۱۱۴/۵ - کافه : امضای هندی - جلد تیاج خانای  
مقوائی ساده مالک مصلح حبیبی الوسی در ۱۲۴ هـ و امضاء السلطنه در ۱۲۹۷ هـ

و مدرسه عالی سیهسالار در ۱۲۹۷ هـ (یادداشت آقای علیتی متروکی)  
۵- رک رساله آثار علوی یا کائنات جو اسفزاری، مقدمه مصحح ص ۱۸

مجموعه‌های خطی در کتابخانه ملی مذکور شماره ۳۱۸۳ محفوظ است.

شماره اوراق ۳۵ - طول ۱۸۶۳ و عرض ۳۰۳ سانتیمتر - این مجموعه شامل

دواین قبیل است :

الف - اذروق ۱۵ تا ۲۵ فصلی از حاماس نامه حکیم است - در هر صفحه

۶ - نخ خطی فارسی جاماسب نامه : میان نسخ این کتاب اختلافاتی موجود است .

۱ - نسخه منطبق به کتابخانه ملی پاریس بشماره ترتیب ۹۰۸ ، در ۷۴۱ هـ تحریر شده است - دوروق ۱۴ چنین آمده است : « باب آغاز کتاب حکیم جاماسب »

(رک) فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف بلوشه پاریس ۱۹۱۲

۲ ج ۱۵۳-۱۵۴

E BLOCHET - Catalogue des Manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale - Tome deuxième - paris 1912. pp 153-154

۲ - نسخه منطبق بوزنه بر تانیا (لندن) بشماره Add. 7714 - تاریخ تحریر ندارد

و ظاهراً در حدود قرن پانزدهم میلادی کتابت شده است - نام تصنیف « کتاب جاماسب فی طوابع لالیب » یاد شده است

این کتاب منسوب است به حکیم جاماسب .

(رک) فهرست ربو ج ۲ ص ۴۶۱ (۴۶۱)

۳ - نسخه ای در کتابخانه ملی پاریس بشماره ترتیب ۲۱ موجود است .

تاریخ تحریر ندارد و ظاهراً در قرن هجدهم میلادی کتابت شده .

در این نسخه نام کتاب « احکام جاماسب » و فرمات نام جاماسب یاد شده است .

(رک) فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف بلوشه - پاریس ۱۹۰۵

۱ ج ۱۶۳

۴ - اذروق ۱۵ تا ۲۱ در مجموعه منطبق به کتابخانه ملی شماره ۹۰۸ -

بوسیله « حسین الحسینی » در ۱۲۴۶ هجری تحریر شده .

۵ - نسخه منطبق به کتابخانه ملی شماره ۱۱۴۱ - در ۱۲۹۳ هـ تحریر شده .

۶ - نسخه منطبق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی - شماره (ثبت) دفتر ۱۳۰۱۱ و شماره

نسخه ۲۵۴ - تاریخ تحریر ندارد - نام کتاب « جاماسب نامه » ذکر شده است .

۷ - نسخه دیگر منطبق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی - شماره (ثبت) دفتر ۲۷۶ ،

شماره قفسه ۲۱ و شماره ۱۷۰ و فهرست مجلس شورای اسلامی تألیف آقای یوسف اعتماسی

بهبه حایه در صفحه ۵۲

۳۳ - سطر است خط این رساله نسخ قدیم است و غیر از خطی است که در سبیل دیگر بدان نوشته شده .

آغاز - « سخنی چند از احکام جاماسب حکیم - چون دست کلاه کیوان سوی

زاوش برد و مشتری دست جامه زنان سوی [بهرام] ده بهرام دست سر بریده

سوی مهر برد و مهر دست لاج سوی بهرام دارد و نهاید دست گمان سوی بر دارد

و تیر بامهر یکجای شود دلیل کند کلاه ... »

انجام : « در سهامی اینگونه بود دیدش قوی گردد و مردمان [ ] احوال گشتن

صلی الله علیه وسلم (کذا) بر جای باشند و اینها را استنسیه شاید اشعاره و الله اعلم

۱ - کذا

۲ - نسخه میوب است

۳ - کذا

۴ - نسخه میوب است در نسخه چاپی (۲۳ ص ۹) « هاشمیه آمده است

بهبه حایه ارضه قبل

(۲ ج ۹۲-۹۳) ثبت شده است

۸ - نسخه انتقالی از کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی تهران بشماره ۱۱۲۲ اول

آن ناقص است (یادداشت آقای حسن ره آورد)

۹ - نسخه منطبق به آقای میرزا عبدالرزاق الواعظ در همدان -

این ترجمه « جاماسب نامه » فارسی از « زاعبدالله بن عیسی تبریزی اصهبانی (متوفی

در حدود ۱۱۳۰ هـ) میباشد ، و در « اریض المده » در ترجمه احوال سید علی خاکیان خاف

التهویری ، بدان حواله داده است

رک : الذریبه - تألیف آقای مصدق منسوب به شیخ آقا بزرگ طهران - تهران

۱۳۲۰-۱۳۲۲ هـ شمس ج ۴ ۹۳، ۱۳۲۳ هـ شمس ج ۵ ص ۲۲-۲۳

۱۰ - نسخه منطبق به « اوجین شرقی کما بیسی » بشماره ترتیب ۶۷

(of The K-E GAMA Oriental Institute Catalogue compiled by Ewald DOMANI NUSSEER-WANJI DHABHAR, Bombay 1923, p 150)

۱۱ - نسخه مجموعه منطبق به یکی از کتابخانه‌های استانبول

(عسکری از این نسخه نزد آقای مجتبی مینوی موجود است)

متن فارسی جاماسب نامه با فرهنگ ملوک و اسرار عجم تألیف جاماسب بن ابراهیم

بوسیله میرزا محمدخان ملک الکلی در ۱۳۲۰ هـ دوهده چاپی رسد



بالصواب منها المبدأ واليد المعآفة \*

ب - از ورق ۳۵ تا ۲۳ شرح رساله از کلمات و رموز خواجه ابوعلى سينا .  
در هر صفحه ۱۸-۱۹ - ۲۰ سطر است - نسخه ناقص است بتوسط ابوالفتح بن  
حسين منجم باخط نسخ قدیم در ۵۴۸ هجرى تحرير شده است .  
انجام : «استم الشرح محمدالله و صلى الله على محمد و آلها جمين» بتاريخ يوم  
الاحد العاشر من شوال سنة ثمان و اربعين و خمسمائه، كتبه ابوالفتح بن الحسين المنجم .  
ج - ورق ۲۴ مشتمل است بر ۱۹ بيت از اشعار مختلف عربى .

آغاز و مَنْ يَكْفِي حَضِيضَ الْبِئْرِ مَلَقَى  
فَكَيْفَ يَرَى مَقَادِرَ النُّجُومِ  
انجام : قَدْ دَخَلُوا بَكَرَةً عَلَى عَجَلٍ  
فَمَا لَهُمْ بَعْدَ سَيْرِهِمْ أَنْ

د - از ورق ۲۴ تا ۳۵ رساله الشبكه تأليف فيلسوف الحكماء ابى المظفر  
الاسفزارى كه بدنياى مقدمه حاضر بچاپ ميرسد  
در هر صفحه ۱۸-۱۹ سطر است .

بتوسط ابوالفتح بن حسين منجم باخط نسخ قدیم در ۵۴۹ هجرى تحرير شده  
است .

ه - ورق ۳۵ : صفحه اى از رساله «در استخراج مسايل عدد» تأليف حسين بن  
ابراهيم سمرقندى و شامل ۱۸ سطر است . بتوسط ابوالفتح بن حسين منجم باخط نسخ

#### ۱- كذا

۲- حسين بن ابراهيم سمرقندى از علماء حساب دوفرن پنجم هجرى است كه معاصر  
سلطان سنجر بن ملكشاه سلجوقى و ده است و كتابى در علم حساب و عدد بنام «سلطان سنجر  
تأليف كرده و آنرا قانون سنجرى نام نموده - آن كتاب عربى است و اولش اينست :  
«الحمد لله الملك العجيب الواحد القهار» و آن مشتمل بر دو مقاله ميباشد مقاله اولى دو مبادى  
و اصول و مقاله دوم دوسمائل و فروع حاوى چهل و دو مسئله و از اين كتاب يك نسخه خطى  
زرد آفتاب سيد جهان الدين طهرانى موجود است .

(از گاهنامه تأليف آفتاب سيد جهان الدين طهرانى - تهران ۱۳۱۱ ۱۴۵۵)

قدیم تحرير شده است .

آغاز : «بسم الله الرحمن الرحيم» رساله الحسين بن ابراهيم السمرقندى فى استخراج  
المسائل العدد - اهل اين صناعت را در ايران آوردن مسائل طرفى بسيارست و قانون  
هاى درست كه متقدمان بيست آورده اند چون اربعه اعداد متناسبه و طريق جبر و  
مقابله و طريق خطائين و مانند اينها . \*

#### ملاحظات در رسم الخط رساله الشبكه .

نسخه بر رسم الخط قدیم تحرير شده و ماغالباً آن را بر رسم الخط متداول غير وادعايى  
در تصحيح رساله الشبكه ملاحظات ذيل بكار گرفته :

۱- در بسيارى از موارد در متن اصلى كلمات بى نقطه است  
مثلاً : سافريد (بيافريد) و ما (جز در موارد استثنائى) لازم تقديم كه آنها را  
در حواشى ياد آور شويم .

۲- علامت مد الف ممدوده در نسخه گذاشته نشده مانند : الف آوردن او را  
و ما درجائى خود آورده ايم .

۳- همزه «اين» آنگاه كه به «اندر» و «از» ملحق گردد در اصل نسخه  
حذف شده و ما عينا آورده ايم : اندرين ، از اين .

۴- همزه «او» آنگاه كه به «اندر» «بر» و «از» ملحق گردد در اصل نسخه  
حذف شده است و ما عينا نقل كرده ايم . اندرو ، برو ، ازو .

۵- همزه «ايشان» آنگاه كه به «از» ملحق گردد در اصل نسخه حذف شده :  
«از ايشان» و ما همان رسم الخط را حفظ كرده ايم .

۱- رسم الخطى كه در رساله حاضر بكار برده شد در بسيارى از موارد همانست كه  
در جامع الحكمتين بكار رفته (رك : جامع الحكمتين تصنيف ابومعنى ناصر خسرو آباديانى  
مروزى يگانگى تصحيح و مقدمه فارسى و فرانسوى آفتابى پروش و هنرى گرين - آفتاب  
دكتر محمدسين - تهران ۱۳۳۳ ص ۱۷-۱۸) ؛ بجز رك : حوام العكاك و لوازم الروايات

تأليف سيدالدين محمد عومى تصحيح و اذاعه آفتابى كرم محمد مين تهران ۱۳۳۵ بخش  
اول ، ص ۶۹ پييد





درخاتمه زد نشمنند ارجمند آقای د کتر محمد معین استاد محترم دانشکده  
تهران که مر بتصحیح و انتشار رساله القالبسکه تشویق ، و درحل مشکلات آن ای  
فرموده اند، نهات امتنان و سپاس حاصل است.

۱۰۸  
۱۱۰۱  
۱۱۰۱  
۱۱۰۱  
۱۱۰۱

مسئله اول

المسألة الأولى في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثانية في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثالثة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الرابعة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الخامسة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة السادسة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة السابعة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثامنة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة التاسعة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة العاشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الحادية عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثانية عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثالثة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الرابعة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الخامسة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة السادسة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة السابعة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة الثامنة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة التاسعة عشرة في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه معلوماً وارتفاعه غير معلوم  
والمسألة العشرون في معرفة ارتفاع المبنى من أطرافه  
عندما يكون مركزه غير معلوم وارتفاعه غير معلوم







